

## ارزیابی عدالت فضایی در اسناد توسعه شهری و آثار توزیعی آن، مورد مطالعاتی: شهر ارومیه

کرم صفری<sup>۱</sup> - اکبر عبدالله‌زاده طرف<sup>۲\*</sup> - مجتبی جعفری<sup>۳</sup>

۱. دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.  
۲. استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).  
۳. کارشناسی مهندسی عمران، دانشگاه آزاد واحد ارومیه، ارومیه، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۳ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۱/۰۵/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

### چکیده

برای ارزیابی و نهادینه‌سازی عدالت بایستی مدیریت شهری توأمان به ساختارها و فرآیندهای تصمیم‌سازی (عدالت ساختاری) و نتایج و آثار و پیامدهای توسعه (عدالت توزیعی) توجه کند که ارزیابی آن در شهر ارومیه، هدف اصلی مقاله حاضر است. پژوهش حاضر، یک تحقیق بنیادی- کاربردی، قیاسی- استقرایی، ترکیبی (کمی و کیفی) و کتابخانه‌ای مبتنی بر مطالعه موردی است که داده‌های موردنیاز آن از آخرین اسناد و گزارش‌های طرح جامع ارومیه و آخرین اطلاعات سرشماری مرکز آمار سال ۱۳۹۵ به‌دست‌آمده است. در پژوهش حاضر برای بررسی عدالت توزیعی از تراکم کرنل، شاخص نزدیک‌ترین همسایگی، قابلیت دستیابی ساکنان به خدمات و در نهایت رتبه‌بندی نواحی ارومیه از حیث دسترسی به خدمات با مدل ماباک (در نرم‌افزار GIS) و برای بررسی عدالت ساختاری به بازخوانی اسناد طرح جامع ارومیه با روش تحلیل گفتمان کیفی مبتنی بر شبکه نشانه‌شناسی فردینان دوسوسور استفاده شده است. نتایج نشان داد که سند طرح جامع ارومیه در مجموع سطح بسیار پایینی و حداقلی از عدالت را مدنظر قرار داده است و این موضوع (عدالت) را از زوایای کم‌تری مورد توجه قرار داده است و تعبیر سند از عدالت فضایی بیش‌تر بر بعد کالبدی معطوف است. در رابطه با ارزیابی عدالت توزیعی باید گفت که نابرابری‌های زیادی بین مناطق و نواحی شهر ارومیه از حیث توزیع فضایی و دسترسی ساکنین به خدمات وجود دارد. درواقع پراکنش کاربری‌ها و توزیع آن‌ها عادلانه نیست و غالباً در نواحی مرکزی متمرکز شده‌اند و لذا دسترسی ساکنین به‌ویژه نواحی حاشیه‌نشین به خدمات بسیار نامناسب می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** عدالت فضایی، مدیریت شهری، عدالت ساختاری، عدالت توزیعی، طرح جامع شهر ارومیه.

## ۱. مقدمه

رشد فزاینده شهرنشینی و گسترش فیزیکی شهرها در دهه‌های اخیر، به پدیده‌هایی نظیر نابرابری اجتماعی، اقتصادی و قطبی شدن فضای شهری منجر شده است و شرایطی را به وجود آورده که بی‌عدالتی‌ها بیش از پیش در شهرها تولید و بازتولید شوند (Alvandipour and Dadashpoor 2018). اکثر شهرهای امروزی ایران با چالش‌هایی همچون قابل زندگی بودن، کالایی شدن و تحولات هویتی روبرو هستند و با موجی از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی مواجه می‌باشند (Dadashpoor, Alizadeh, and Roštami 2015). این نابرابری‌ها باعث گسترش دوگانگی‌های طبقاتی، پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی و رشد ناهنجاری‌های اجتماعی شهری گردیده است. بنابراین، رسالت اساسی متخصصان حوزه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، کاهش این نابرابری‌ها و از بین بردن تضادهای دسترسی به سرمایه‌های شهری برای اقشار مختلف جامعه است (Alvandipour and Dadashpoor 2018). در این راستا، مفهوم عدالت فضایی به‌عنوان یک ابزار هنجاری در تحقق عدالت در ابعاد شهری مورد توجه قرار گرفته است (Soja 2009). نظریه‌های مطرحی از جمله آثار جان راولز، پیترو مارکوس، سوزان فابنشتاین، دیوید هاروی، هیدر کمپل و ادوارد سوچا به تحلیل مفهوم عدالت در ارتباط با فضا پرداخته‌اند (Dadashpoor and Alvandipour 2017) و شکل‌گیری عدالت و بی‌عدالتی را از طریق تولید فضایی جغرافیایی دانسته‌اند. به عقیده سوچا عدالت فضایی هم می‌تواند به‌عنوان نتیجه و نمایانگر الگوهای توزیعی که عادلانه یا ناعادلانه هستند و هم فرآیندهایی که این نتایج را تولید می‌کند، دیده شود (Soja 2009). دیکسی اظهار می‌کند که تمرکز عدالت فضایی به‌خودی‌خود بر فضا نیست، بلکه بر فرآیندهای تولید فضا و کاربرد آن در فرآیندهای پویای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تأکید دارد (Dekec 2002). از این‌رو، در عدالت فضایی با دو رویکرد اصلی شامل ۱. عدالت توزیعی (محصول‌گرا)، ۲. فرآیندهای تصمیم‌سازی (عدالت فرآیندی و ساختاری) روبرو هستیم. عدالت فضایی محصول‌گرا به توزیع جغرافیایی منابع و خدمات تفسیر می‌شود. عدالت فضایی فرآیندی نیز بحث می‌کند که چگونه فرآیندهایی مانند اسناد برنامه‌ریزی، قوانین و ضوابط، فضاهای تصمیم‌سازی را تولید می‌کنند. مطالعات اندکی در زمینه عدالت شهری و فضایی، به بررسی و شناخت مفهوم عدالت فضایی در شهر و جنبه‌های مختلف آن پرداخته‌اند و هنوز گفتمان عدالت فضایی دارای پیچیدگی و ابهام است. غالب تحقیقات پیشین تمرکز خود را بر روی توزیع فضایی عدالت در حوزه‌های جغرافیایی معطوف کرده‌اند و به چگونگی توجه برنامه‌های توسعه شهری به عدالت (عدالت ساختاری) توجهی نداشته‌اند. شهر ارومیه در سال‌های اخیر تحولات زیادی در ابعاد

جمعیتی، فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود را داشته که یکی از چالش‌های مهم مدیریت شهری آن، توزیع نامناسب و نابرابر خدمات بوده است. به همین دلیل، مدیریت شهری اقداماتی انجام داده که عمدتاً بزرگ‌مقیاس و پرهزینه بوده و به ادعای کاهش فاصله بین مناطق حاشیه‌نشین و توسعه‌یافته انجام شده است. این اقدامات تأثیرات قابل توجهی بر سیما و فضای شهری ارومیه گذاشته و شهر را به شکلی متفاوت تغییر داده است. مدیریت شهری به‌عنوان متولی برنامه‌ریزی شهر نقش مهمی را در شکل‌گیری حال و آینده شهر دارد و یکی از وظایف مدیریت شهری و شاید مهم‌ترین آن برقراری و نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی و ساخت شهری عادلانه باشد. برای این مهم بایستی مدیریت شهری توانمند باشد. فرآیندهای تصمیم‌سازی (عدالت ساختاری) و نتایج و آثار و پیامدهای توسعه (عدالت توزیعی) توجه کند و در تلاش برای شناسایی فرآیندها و ساختارهای ایجادکننده نابرابری در شهرها و بررسی نتایج توزیعی از جنبه‌های عادلانه یا ناعادلانه بودن باشد. مقاله حاضر تلاش دارد مسائل و مشکلات طرح جامع ارومیه از نگاه عدالت ساختاری و مسائل و مشکلات توزیع خدمات و دسترسی ساکنین به آن را از نگاه عدالت توزیعی شناسایی کند و چارچوبی جامع و کامل از عدالت (ساختاری و توزیعی) در اختیار مدیریت شهری ارومیه که مجری اصلی تحقق عدالت در شهر است، قرار دهد تا بتواند با عمل آگاهانه در پیاده‌سازی و نهادینه‌سازی عدالت هم در تهیه سند طرح جامع جدید ارومیه (با آگاهی از این که بی‌عدالتی‌های ساختاری بیش‌تر در کجای سند طرح جامع تمرکز یافته‌اند) و هم در بستر توزیعی وضع موجود (با آگاهی از این که بی‌عدالتی‌های توزیعی بیش‌تر در کدام بخش و محله تمرکز یافته است)، از بی‌عدالتی‌های فضایی کاسته و با بهبود کیفیت زندگی، توسعه پایدار شهری را گسترش دهد. هدف اصلی مطالعه حاضر ارزیابی عدالت فضایی در سند طرح جامع ارومیه (عدالت ساختاری) و نیز در حوزه‌های جغرافیایی (توزیعی) شهر ارومیه است. بنابراین، این که عدالت و به‌ویژه عدالت فضایی از چه ابعادی برخوردار است؟ چه معیارهایی می‌تواند جهت ارزیابی عدالت ساختاری و عدالت توزیعی به‌کار گرفته شود؟ ارزیابی عدالت ساختاری در برنامه‌های توسعه شهری چگونه انجام می‌پذیرد؟ توزیع خدمات و دسترسی ساکنین به آن چگونه است؟ و سؤالاتی در همین راستا، از مباحث مورد توجه در این پژوهش هستند.

## ۲. پیشینه تحقیق

مطالعات قابل توجهی پیرامون موضوع عدالت فضایی هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح ملی انجام شده است که البته تفاوت‌های زیادی با مقاله حاضر دارد. با این حال با بررسی نزدیک‌ترین مطالعات انجام‌شده، خلأهای تحقیقات گذشته شناسایی شده و تلاش شده است که در مقاله حاضر

واقع، مطالعات داخلی بیش‌تر از منظر عدالت توزیعی، به سنجش عدالت پرداخته‌اند و از نگاه ساختاری به عدالت (در قالب اسناد برنامه‌ریزی، قوانین و ضوابط شهرسازی)، چشم پوشیده‌اند که در این پژوهش سعی شده است که عدالت از هر دو ساحت کمی و کیفی بررسی شود. همچنین غالب تحقیقات، بر جنبه خاصی از نظریه‌های عدالت محور تمرکز داشته و در اکثر موارد نتوانسته‌اند چارچوب همه‌جانبه و نظام‌مندی برای آن ارائه کنند که در پژوهش حاضر سعی شده است دسته‌بندی جامع و کاملی از نظریه‌های عدالت محور در قالب گونه‌شناسی آلمندینگر ارائه شود تا براساس آن اصول و معیارهای عدالت فضایی استخراج شوند.

به رفع این خلأها اقدام شود تا ارزیابی عدالت ساختاری و توزیعی در شهر ارومیه به‌صورت جامع و کامل انجام شود. بر این اساس در رابطه با آسیب‌شناسی تحقیقات انجام‌شده از منظر رویکرد اختیار شده در این پژوهش می‌توان گفت مطالعات خارجی به سمت شاخص‌سازی عدالت فضایی در سه حوزه قوانین، فرآیندها و نتایج با روش ترکیبی (کمی و کیفی) رفته‌اند، موضوعی که توسط مطالعات داخلی مورد غفلت واقع شده است. در واقع آن‌چه در بین تحقیقات داخلی به‌وفور مشاهده می‌شود، توجه به پژوهش‌های کمی و استفاده از مدل‌های قدیمی و تکراری چون AHP، تاپسیس، ضریب آنتروپی، ضریب تغییرات، ویکور و غیره است و به پژوهش‌های کیفی و ترکیبی در مطالعات عدالت فضایی توجه چندانی نشده است. در

### جدول ۱: مطالعات خارجی و داخلی انجام‌شده پیرامون عدالت فضایی

مطالعات خارجی			
پژوهشگر	اهداف پژوهش	روش	نتایج و یافته‌ها
آچمانی و دیگران، ۲۰۲۰	ارزیابی عدالت فضایی در یک پروژه توسعه شهری	استفاده از چارچوب تحلیل و توسعه نهادی IAD (تحلیل منطقی)	آنان به تعریف یک چارچوب مفهومی برای تحلیل عدالت فضایی مبتنی بر یک مدل سه‌بعدی شامل قوانین (برابری دسترسی به فرصت‌ها برای همه)، فرآیند (تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان) و نتایج (دسترسی به منابع و توزیع آن‌ها در فضا) پرداخته‌اند. در نهایت شاخص‌های اختلاط عملکردی، تنوع اجتماعی، دسترسی به امکانات و خدمات عمومی و توزیع مسکن قابل استطاعت را در هر سه بخش قوانین، فرآیند و نتایج تعریف و برای ارزیابی عدالت فضایی در پروژه‌های توسعه شهری پیشنهاد می‌کند.
بزرا و دیگران، ۲۰۲۰	بررسی توزیع فضایی زیرساخت‌های بهداشت و درمان در کشور برزیل	استفاده از مدل تحلیل عاملی برای رتبه‌بندی ایالت‌های برزیل و استفاده از مدل موران برای چگونگی پراکنش خدمات درمانی	یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که دسترسی به خدمات بهداشتی درمانی در سراسر برزیل نابرابر است. ایالت‌های منطقه شمالی و بخشی از مناطق شمال شرقی و غرب در مقایسه با سایر ایالت‌ها از سطح زیرساخت‌های بهداشتی پایینی برخوردار است.
مایود و همکاران، ۲۰۱۹	ارائه چارچوبی در سطح منطقه‌ای برای سنجش و ارزیابی عدالت در دستیابی به مراکز بهداشتی و درمانی در سه شهر از کشور کانادا	استفاده از تکنیک‌های یادگیری ماشین به همراه ضریب جینی و داده‌های متن باز حمل‌ونقل عمومی کشور کانادا	از بین سه شهر ونکوور، پرتلند و سیاتل، شهر پرتلند بیش‌ترین میزان نابرابری در دسترسی‌پذیری به کلینیک‌ها و بیمارستان‌ها را دارا بوده به‌طوری که حدود ۷۵ درصد از سالمندان این شهر فاقد دسترسی‌پذیری مناسب و بیش از ۵۰ درصد آن‌ها فاقد دسترسی مناسب به کلینیک‌های بهداشتی می‌باشند. همچنین در هر سه شهر مورد بررسی، افراد کم‌درآمد از قابلیت دستیابی کم‌تری نسبت به افراد پردرآمد برخوردار بوده‌اند.
دای، ۲۰۱۶	مقایسه وضعیت برابری و عدالت فضایی در خصوص برخورداری شهروندان هیوگو بین سال‌های ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۴	استفاده از روش ضریب تغییرات برای محاسبه و مقایسه داده‌های سه شاخص خدمات آموزشی پایه، حمایت‌های اجتماعی و خدمات بهداشتی و درمانی	نتایج بررسی وی نشان داد که در میان خدمات فوق، خدمات بهداشتی و درمانی به‌صورت نامتعادل و کاملاً نابرابر توزیع شده است. همچنین توسعه خدمات بهداشتی به گلوگاه برابری خدمات عمومی شهر تبدیل شده است. ایشان در مقاله خود از مطالعه تطبیقی بررسی جمعیت و سرانه کاربری‌هایی استفاده کرده است که در دسته‌بندی فوق جای گرفته‌اند.

## مطالعات داخلی

پژوهشگر	اهداف پژوهش	روش	نتایج و یافته‌ها
احمدی و شمسی‌پور، ۱۳۹۹	چگونگی توزیع خدمات عمومی با تأکید بر عدالت اجتماعی در شهر بجنورد	استفاده از روش‌های تحلیل خوشه‌ای، تکنیک ویکور فازی و آزمون‌های آمار استنباطی	شهر بجنورد با کمبود شدید مراکز خدمات عمومی روبه‌روست. همچنین این کمبود به‌صورت ناعادلانه در محله‌های شهری مشاهده می‌شود و شاهد بروز نابرابری و بی‌عدالتی میان محله‌ها هستیم. این نابرابری‌ها به‌صورت مرکز پیرامونی است و هرچه از بخش مرکزی به سمت حاشیه‌ها حرکت می‌کنیم، به محرومیت محله‌ها افزوده می‌شود.
کوشانه و دیگران، ۱۳۹۸	بررسی وضعیت پراکنش فضایی کاربری‌های خدمات عمومی و ارائه راهکارهایی جهت کاهش این نابرابری در شهر تبریز	استفاده از روش شاخص ویلیامسون، تاپسیس، آنترابی شانون و نرم‌افزارهای SPSS و GIS	نتایج نشان داد که حدود ۶۰ درصد از مناطق شهری شهر تبریز به لحاظ توزیع خدمات شهری در سطح نامتعادل قرار دارند. همچنین تمامی مناطق شهر تبریز به نسبت یکسان و متعادل از امکانات و خدمات شهری برخوردار نگردیده و توزیع خدمات بر اساس پراکنش جمعیت نبوده است.
داداش‌پور و دیگران، ۱۳۹۴	تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی با محوریت مفهوم عدالت در اسلام	روش‌شناسی مبتنی بر تحلیل منطقی (ارزیابی و مقایسه مبانی استدلالی آموزه‌های فلسفی و سیاسی)	مفهوم عدالت را از دیدگاه اندیشمندان غربی، جهان اسلام، مکتب‌های مختلف بشری و دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی بررسی کرده‌اند. در ادامه، شش معیار برای عدالت فضایی استخراج نموده‌اند که شامل برابری فرصت‌ها، آزادی، تفاوت، نیاز، استحقاق و بهره‌مندی از منفعت عمومی می‌باشند.
سعیدی رضوانی، ۱۳۹۳	مطالعه اندیشه‌های معطوف به عدالت در نظریه‌های شهرسازی و تشریح عدالت در منابع اسلامی	تحلیل محتوای کیفی	این مقاله، گونه‌شناسی‌ای از مهم‌ترین آرای متفکران حوزه شهر عدالت محور در میان نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی در قالب سه گونه نظریه‌های راست‌گرا، چپ‌گرا و پسامدرن ارائه کرده است. همچنین، معیارهای «رفاه مادی»، «تنوع قومی، نژادی، مذهبی»، «حفظ محیط‌زیست»، «مشارکت» و «همه‌شمولی» به‌عنوان مهم‌ترین معیارهای مشترک و معیارهای «سرپرستی پرهیزگاران»، «اعتدال در ارتباط با خدا» و «حفظ کرامت انسانی» از معیارهای آموزه‌های اسلامی می‌داند.
رضوانی و نوریان، ۱۳۹۳	شهرسازی عدالت محور؛ رهیافتی پیشرو در برنامه‌ریزی شهری	تحلیل محتوای متون و گونه‌شناسی نظریه‌ها	این مقاله به بررسی نظریه‌های برنامه‌ریزی معطوف به عدالت شامل دیدگاه‌های هاروی، برنامه‌ریزی ارتباطی، برنامه‌ریزی همگانی، برنامه‌ریزی گفتمانی و نظریه شهر عدالت‌محور پرداخته است.
نوریان و سعیدی رضوانی، ۱۳۹۱	گونه‌شناسی آرای بنیادین معطوف به عدالت در شهر	مطالعه اسنادی و تحلیل محتوای کیفی	بر این اساس گونه‌شناسی انجام‌شده، نظریه‌های روسو، بنتام، گولت و هابرماس، در گونه اندیشه‌های متکی بر اصول قراردادی، نظریه‌های افلاطون، ارسطو، هابز، کانت، رالز، سن و نوزیام در گونه اندیشه‌های متکی بر اصول مفروض و نظریه‌های مارکس و انگلس در گونه اندیشه‌های متکی بر اصول ایدئولوژیک جای گرفتند.

## ۳. مبانی نظری

عدالت ایفا می‌کند. برای این منظور، از گونه‌شناسی فیلیپ آلمندینگر استفاده شده است که با بررسی نظریه‌های عدالت‌محور می‌توان آن‌ها را به چهار دسته نظریه‌های چارچوب‌ساز، نظریه‌های اجتماعی، نظریه‌های برون‌زا و نظریه‌های درون‌زای عدالت دسته‌بندی نمود تا براساس

شناخت دقیق مفهوم عدالت، یک مقدمه اساسی برای ورود به بحث معیارهای عدالت است (Torabzadeh Jahromi and Sajadieh 2011). به همین دلیل، سنخ‌شناسی مفهومی نظریه‌ها نقش حیاتی در شناخت دقیق مفهوم

فضا و زندگی روزمره، به درک بی‌عدالتی‌های فضای شهر پرداخته و مفهوم «حق به شهر» را مطرح کرده است. او معتقد است که فضا یکی از وسایل تولید است (Lefebvre 2017) و حق به شهر نیازمند تغییر در روابط قدرت و ثروت است (Butler 2012). این نظریه حق حضور در شهر را بر اساس دو حق مشارکت و تخصیص فضا در بحران عدالت اجتماعی تعریف می‌کند (Dadashpoor and Alvandipour 2017). علامه طباطبایی عدالت را: الف) برپاداشتن مساوات و موازنه تعریف می‌کند؛ ب) سپس آن را به این صورت که به هر شخصی سهم شایسته او داده شود تعریف می‌کند؛ ج) دادن سهم شایسته را به این نتیجه که هر شخصی در جایگاه شایسته خودش قرار گیرد می‌داند؛ د) نتیجه آن را به صورت عدالت قضایی و حقوقی می‌پذیرد؛ ه) نتیجه آن را به صورت برابری در پیشگاه قانون تصویر و ترسیم می‌کند؛ همچنین، و) در جای دیگر هم عدالت را به معنای انصاف می‌شمارد (Yazdani 2019). شهید مطهری عدالت را تساوی همه برابر قانون، اصالت اجتماع و توازن اجتماعی می‌داند (Dadashpoor and Alvandipour 2017). علی شریعتی عدالت را به معنای برابری طبقاتی، نفی استثمار و حذف تبعیض‌های اقتصادی، حقوقی و اجتماعی تعریف می‌کند (Kazemi 2014). عدالت مورد نظر سید محمدباقر صدر عبارت است از: «عدالت به مثابه حفظ کرامت انسانی» (Mirgholami, Keynejad, and Alizadeh 2018) و آمارتیا سن عدالت را به معنی برابری قابلیت‌ها تعریف می‌کند (Azizi and Shokouhi Bidhendi 2015).

هدف نظریه‌های اجتماعی فراهم کردن درکی کلی از ماهیت جامعه است (Allmendinger 2005) که در این دسته نظریه‌های آپریس یانگ، دیوید هاروی، سوزان فاینشتاین و ادوارد سوچا قرار می‌گیرند. آپریس یانگ در «نظریه مردم‌سالارانه برای شرایط ناعادلانه»، ایده یکسان‌سازی مفهوم عدالت را رد کرده و به جای آن تأکید می‌کند که سیاست‌های عادلانه باید هرگونه ظلم را بر طرف کنند (Young 2011). مطابق با این تصور، بحث بر سر موضوع عدالت، از توزیع عادلانه به سمت پذیرش افتراق اجتماعی بدون استثنا کردن گروه‌ها، تغییر شکل می‌یابد. در دیدگاه دیوید هاروی، عدالت به عنوان اصل یا اصولی برای حل دعاوی متضاد مطرح شده است و هدف او یافتن توزیع عادلانه‌ای هست که عادلانه حاصل شده باشد. او اولین بار مفهوم عدالت در توزیع منابع و خدمات را مطرح کرده و تأکید دارد که عدالت اجتماعی در شهر باید به نیازهای جمعیت شهری پاسخ دهد و تخصیص منابع را به نحوی انجام دهد که افراد با کم‌ترین شکاف و اعتراض مواجه شوند (Dadashpoor, Alizadeh, and Rostami 2015). از نظر وی مفهوم عدالت اجتماعی یعنی «توزیع عادلانه از طریق عادلانه» است (Rahimi and Naghizadeh 2016) و ماهیت عدالت را بر اساس

آن به معیارهایی که یک فرآیند (ساختار) و محصول (توزیع) را عادلانه می‌داند، دست یافت. در ادامه خلاصه نظریه‌های عدالت‌محور که اساس چارچوب نظری مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد ارائه می‌شود.

نظریه‌های چارچوب‌ساز به عنوان بستر اساسی برای درک نظریه‌های برنامه‌ریزی درون‌زای عدالت محور شناخته می‌شوند و سه مکتب لیبرالیسم، سوسیالیسم و اسلام، در این دسته قرار می‌گیرند. لیبرالیسم، اصلی‌ترین اصول فکری و فلسفی نظام سرمایه‌داری است و پیروان این مکتب معتقدند که هر فرد حق دارد بر اساس انتخاب‌های خودش عمل کند، مگر که این انتخاب‌ها حقوق دیگران را نقض کند. آزادی و استحقاق افراد اصول اساسی این مکتب را تشکیل می‌دهند (Dadashpoor, Alizadeh, and Roštami 2015). در آموزه‌های سوسیالیسم، مفهوم عدالت به معنای دیگری است، به گونه‌ای که این مکتب تلاش می‌کند تا تمام نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را از بین ببرد (Zapata and Bates 2015) و تعاریف عدالت در این مکتب بر اساس دو مفهوم نیاز و برابری شکل می‌گیرد. در مکتب اسلام، عدالت بر مبنای حق تعریف شده و عدالت و حق به عنوان مفاهیم مترادف و ترکیبی در نظر گرفته می‌شوند (Dadashpoor, Alizadeh, and Roštami 2015). به عبارت دیگر، این مکتب عدالت را به عنوان ایجاد توازن اجتماعی برای رسیدن به تکامل و تعالی در راه توحید تعریف می‌کند و مفاهیمی چون عدالت توزیعی، استحقاقی، برابری فرصت و غیره را با یکدیگر در ارتباط دیده و آن‌ها را به عنوان مبانی معنایی مشترک در نظر می‌گیرد (Dadashpoor and Alvandipour 2017).

نظریه‌های بیرون‌زا شامل اصولی هستند که، هرچند به طور مستقیم به برنامه‌ریزی شهری مرتبط نمی‌شوند، اما در زمینه فضای سیاست‌گذاری اهمیت دارند (Allmendinger 2005). در این راستا، می‌توان این نظریه‌ها را به دو دسته اندیشمندان غربی متأخر (شامل پوپر، راولز، هابرماس و لوفور) و شرقی متأخر (مطهری، شریعتی، طباطبایی، صدر، سن) تقسیم کرد. پوپر عدالت را به معنای تساوی انسان‌ها تفسیر می‌کند و هرگونه امتیازطلبی را مردود می‌داند (Imanimoghdam and Parsania 2021). جان راولز در نظریه عدالت به مثابه انصاف، به دو اصل تفاوت و آزادی بین انسان‌ها تأکید کرده است (Dadashpoor, Alizadeh, and Roštami 2015) و معتقدست که همه خواسته‌های اولیه اجتماعی باید به تساوی توزیع شوند، مگر این‌که توزیع نابرابر آن‌ها به نفع محروم‌ترین‌ها باشد (Rawls 1971). هابرماس عدالت را به امکان بحث و گفت‌وگو بین افراد مرتبط می‌داند و بر این اساس، حوزه عمومی را برای رسیدن به عدالت ضروری می‌داند تا افراد بتوانند آزادانه به گفت‌وگو بپردازند. او اخلاق گفت‌مانی مبتنی بر مباحثه و گفتگو و مشارکت را ترویج می‌کند (Habermas 1987). لوفور با بررسی روابط اجتماعی در

برای تشخیص نابرابری با ارزیابی الگوهای توزیعی بهره برد و در مفهوم دوم بر اهمیت فرآیندها و ساختارهای موجود در تولید و بازتولید ناعدالتی تمرکز دارد. از نظر وی در عدالت فضایی تأکید به خودی خود بر فضا نیست، بلکه بر ساختارها و فرآیندهایی است که تولید فضا می‌کنند (Dekec 2002).

بر اساس آنچه ذکر شد، فضا به عنوان یک ساختار اجتماعی، حقایق اجتماعی را منعکس می‌کند و بر روابط اجتماعی تأثیرگذار است. از این رو، هر دو جنبه عدالت و بی‌عدالتی در فضا قابل مشاهده هستند. بنابراین، تحلیل گفتمان عدالت فضایی نقش حیاتی در درک سیاست‌ها و نهادهای موجود که منجر به ایجاد ناعدالتی در فضای شهری می‌شوند، دارد. از دیدگاه برخی از نظریه‌پردازان عدالت شهری مانند فاینشتاین، فرآیند و نتیجه برنامه‌ریزی از یکدیگر جدا نیستند و همانند چیزی که دیکسی بیان می‌کند، عدالت یا ناعدالتی فضایی هم می‌تواند به عنوان یک نتیجه (پیامد) و هم به عنوان یک فرآیند مشاهده شود. بنابراین، برنامه‌ریزی برای عدالت فضایی نیز با هر دو رویکرد فرآیندها و برآیندهای (نتایج) روبه‌رو است:

۱. عدالت فضایی توزیعی: این رویکرد به معنای توزیع برابر براساس خواسته‌ها و نیازهای ساکنان در حوزه‌های جغرافیایی مطرح می‌شود (Dufaux, Gervais, Lehman, and Moreau 2009). عدالت فضایی توزیعی بیش‌تر به تحلیل وضعیت موجود شهرها از دیدگاه برابری‌های فضایی پرداخته و توزیع عادلانه منابع را براساس چهار معیار برابر مبنای، نیاز مبنای، تقاضا مبنای و سیستم بازار بررسی می‌کند (Heckert and Rosan 2016). در این مقاله، عدالت توزیعی با تأکید بر دیدگاه «برابری فرصت‌ها» مطرح شده است و این دیدگاه باور دارد که برای دستیابی به عدالت در جامعه، باید فرصت‌های برابر برای همه ارائه شود تا هر فرد بر اساس توانایی و شایستگی خود بتواند از آن‌ها بهره‌مند شود. در مقاله حاضر، قابلیت دسترسی شهروندان به خدمات شهری و توزیع فضایی خدمات شهری به عنوان معیارهای سنجش عدالت توزیعی مدنظر می‌باشد.

۲. عدالت فضایی ساختاری: نیاز جامعه به کشف ساختارها، فرآیندها و لایه‌های زیرین که منجر به بی‌عدالتی و نابرابری در شهرها می‌شوند، امروزه حائز اهمیت است. براین اساس، این رویکرد به فرآیندهای شکل‌دهنده به فضا و بر فرآیندهای تصمیم‌سازی تأکید دارد (Dufaux, Gervais, Lehman, and Moreau 2009; Soja 2009; Fainstein 2014) که برنامه‌های توسعه شهری از جمله طرح‌های جامع شهری از مهم‌ترین عوامل در این رویکرد به شمار می‌رود. با توجه به نظریات مطرح‌شده، مجموعه جریان‌های فکری که به موضوع عدالت پرداختند را می‌توان در سه جریان (اصالت آزادی، طرفداران اصالت حق و پیروان اصالت کرامت) دسته‌بندی کرد که به‌منظور تبیین معیارهای عدالت ساختاری، برای هر یک از این

سه اصل استحقاق، سود همگانی و نیاز تعریف می‌کند (Azami, Asadie, and Haqjoo 2019). سوزان فاینشتاین سه معیار تنوع، برابری و مردم‌سالاری را برای شهر عادلانه پیشنهاد می‌کند (Fainstein 2010)، او برنامه‌ریزی را خلق آگاهانه‌ی شهر دانسته است (Mirgholami, Keynejad, and Alizadeh 2018). ادوارد سوچا با بهره‌گیری از نظریات لوفور اصطلاح «عدالت فضایی» را مطرح می‌کند و معتقدست که عدالت و بی‌عدالتی از طریق تولید فضایی جغرافیایی شکل می‌گیرد و مفهوم عدالت فضایی شامل مفاهیمی چون آزادی، برابری، دموکراسی و حقوق مدنی است (Manuel 2016). سوچا عدالت یا ناعدالتی فضایی را به‌عنوان یک پیامد (نتیجه) و یک فرآیند (ساختار) مشاهده می‌کند و معتقد است که الگوهای جغرافیایی یا توزیعی و فرآیندهای ایجادکننده آن‌ها می‌توانند به‌خودی خود عادلانه یا غیرعادلانه باشند. اما تشخیص و درک فرآیندهای موثر در ایجاد یک جغرافیای ناعادلانه امری پیچیده و چالش‌برانگیز است (Soja 2009).

- نظریه‌های درون‌زای، یک نوع خاص از نظریه‌پردازی است که به‌طور مشخص به امر برنامه‌ریزی می‌پردازد (Allmendinger 2005) و دستورالعمل‌های کاربردی برای فرآیند برنامه‌ریزی شهری ارائه می‌دهد. این نظریه‌ها اصول و معیارهایی برای استفاده در تدوین طرح‌های شهری و ارزیابی شرایط شهرها از نظر عدالت فراهم می‌کنند (Dadashpoor and Alvandipour 2017). در این راستا، نظریه‌های برنامه‌ریزی ارتباطی (پتسی هیلی، جودیش اینز، لئونی ساندرکاک، از اوایل دهه ۱۹۹۰ تاکنون)، شهر عدالت‌محور (سوزان فاینشتاین) و برنامه‌ریزی گفتمانی (فرانک فیشر) در چارچوب سنخ‌شناسی لیبرال از مفهوم عدالت در برنامه‌ریزی شهری استفاده می‌کنند. نظریه‌های عدالت فضایی (دیکسی) و برنامه‌ریزی همگانی (پیتر مارکوس) نیز خط سیر اندیشه سوسیال را در برنامه‌ریزی شهری گسترش داده‌اند. در برنامه‌ریزی ارتباطی به عنوان یک شکل پیشرفته از مشارکت در برنامه‌ریزی شهری (Sharifzadegan and Shafiee 2015)، فرض بر این است که تقویت نقش گروه‌های محروم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی منجر به توزیع بهتر نتایج خواهد شد و این نوع از برنامه‌ریزی بیش‌تر بر فرآیند تأکید دارد تا محتوا (Uitermark and Nicholls 2017). همچنین برنامه‌ریزی گفتمانی به دنبال ایجاد فضاهایی برای مشاوره مردم‌سالارانه است که مکانی برای مشارکت شهروندان فراهم می‌آورد (Fischer 2009). سوزان فاینشتاین در نظریه شهر عدالت‌محور خود سه اصل تنوع، دموکراسی و برابری را معرفی کرده است (Fainstein 2010). دیکسی مفهوم عدالت فضایی را در یک صورت‌بندی دیالکتیکی به «حالت فضایی ناعدالتی» و «ناعدالتی حالت فضایی» تقسیم می‌کند که مفهوم اول نشان‌دهنده این است که عدالت دارای بعد فضایی است و می‌توان از نگرشی فضایی

ساختاری در سند طرح جامع ارومیه (مصوب سال ۱۳۸۸) و ارزیابی توزیع فضایی و دسترسی ساکنان به خدمات اقدام می‌شود که بسته به نوع معیارهای به‌دست‌آمده، از روش‌های بازخوانی اسناد و مدارک در سنجش معیارهای عدالت ساختاری در طرح جامع ارومیه استفاده می‌شود که بر مبنای آن مشخص می‌گردد که برنامه توسعه ارومیه چگونه و تا چه حد برای تحقق عدالت تلاش کرده است. همچنین از اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۵ برای ارزیابی عدالت توزیعی بهره گرفته شد.

با توجه به خصوصیت کیفی و ادراکی عدالت ساختاری، مقاله حاضر بر جنبه‌های کیفی در این حوزه تأکید دارد و متناسب با آن، شیوه ارزیابی کیفی جایگاه عدالت در اسناد توسعه شهری ارومیه تحلیل گفتمان با تأکید بر منطق شبکه نشانه‌ها است. تحلیل گفتمان روشی است که عمدتاً در بازخوانی پیام‌ها و اسناد به‌کار می‌رود. این روش به تجزیه و تحلیل عناصری مانند بافت و بستر، تغییر و ناپایداری، براساخت‌ها در متن، و در نهایت، ذخیره‌های تفسیری مورد استفاده در متن توجه دارد. در تحلیل نشانه‌شناسی گفتمانی دوسوسور، به نظام «هم‌نشینی و جانیشینی» واژگان توجه می‌شود و تلاش بر این است با واکاوای شیوه‌ی کنار هم قرار گرفتن کلمات یا واژگان، معنای متنی و برون‌متنی آن‌ها تبیین شود. از دلایل انتخاب روش مذکور این است که با توجه به کیفی بودن بودن عدالت ساختاری از یک طرف نیاز است که اسناد طرح جامع ارومیه بازخوانی و تحلیل دقیق شوند (تحلیل گفتمان) و مناسبت و پیوند میان واژگان هم‌نشینی و جانیشین عدالت در اسناد مذکور کشف شوند (نشانه‌شناسی). در مقاله حاضر، با توجه به تفاسیر متفاوت از واژه عدالت، به‌کارگیری این روش می‌تواند نشان دهد که در طرح جامع ارومیه به چه مفاهیمی در پس واژگان عدالت توجه شده است. به عبارت دیگر، با بازخوانی اسناد طرح جامع ارومیه، مشخص خواهد شد که چه واژگانی در هم‌نشینی و جانیشینی با واژه عدالت قرار دارند. این روش کمک خواهد کرد که از طریق شبکه نشانه‌ها، مفهوم عدالت در اسناد این برنامه تبیین گردد. برای تحلیل شبکه نشانه‌ها نیز با توجه به کیفی بودن موضوع از تکنیک ویژگی‌وار سوسور استفاده گردید که ارتباط میان واژگان هم‌نشینی و جانیشین را به صورت تصویری نشان می‌دهد.

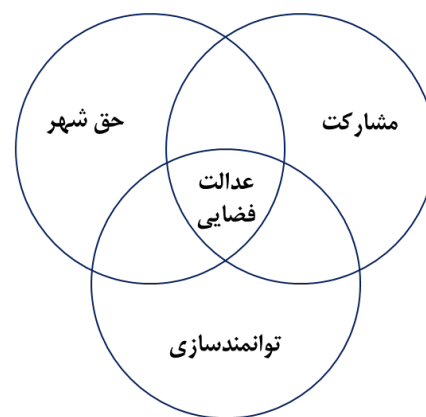
برای ارزیابی عدالت توزیعی نیز از معیار دسترسی ساکنان به خدمات و معیار توزیع فضایی خدمات بر اساس روش‌ها و مدل‌های فضایی در نرم‌افزار GIS استفاده می‌شوند. در نهایت با استفاده از مدل ماباک (MABAC)، نواحی ۱۵گانه شهر ارومیه به لحاظ برخورداری جمعیت از خدمات به نواحی بسیار محروم، محروم، نسبتاً برخوردار و برخوردار دسته‌بندی می‌شوند.

سه متغیر کانونی، معیار ما به ازایی در نظر گرفته می‌شود که بر جنبه فضایی آن متغیر دلالت داشته باشد. این سه معیار عبارت‌اند از:

الف) مشارکت (وجه فضایی آزادی): همان‌گونه که در تعریف مفهوم معیار آزادی از نظر این مقاله آمد، یکی از مفاهیم کلیدی در این تعریف، «قدرت تعیین سرنوشت شهروندان» است. در این مطالعه، به پیروی از فاینشتاین، به‌جای مفهوم آزادی، از مفهوم مشارکت استفاده می‌شود. ارنشتاین نردبانی هشت‌پله‌ای از مشارکت شهروندی ترسیم می‌نماید که هر پله آن سطح قدرت شهروندان را در تصمیم‌گیری مشخص می‌کند. بالاترین پله‌ها، درجاتی بالاتر از قدرت تصمیم‌گیری را به شهروندان ارائه می‌دهد. ب) حق به شهر (وجه فضایی حق): منظور از حق به شهر، «حق شهروندان برای زندگی در شهر به‌مثابه یک فضای فرهنگی غنی و متنوع است که به تمام ساکنان تعلق دارد و این‌که همه بدون هیچ‌گونه تبعیض جنسیتی، سنی، وضعیت سلامتی، درآمد، ملیت، نژاد، وضعیت مهاجرت و یا گرایش‌های سیاسی و دینی حق زندگی شهری و نگهداری هویت و خاطرات فرهنگی دارند».

ج) توانمندسازی (وجه فضایی کرامت انسانی): معیار توانمندسازی به‌عنوان وجه فضایی کرامت انسانی در نظر گرفته شده است و که مهم‌ترین نموده‌های آن کارآفرینی، آموزش اجتماعی، اشتغال‌زایی و غلبه بر فقر است.

شکل ۱: به‌سوی یک نظریه عدالت ساختاری



#### ۴. روش‌شناسی

مطالعه حاضر، پژوهشی بنیادی-کاربردی، قیاسی-استقرایی، ترکیبی (کمی و کیفی) و کتابخانه‌ای مبتنی بر مطالعه موردی است که به ارزیابی عدالت ساختاری (سند طرح جامع ارومیه) و عدالت توزیعی (خدمات) می‌پردازد و از طریق بررسی اسناد و مدارک، به توصیف، اکتشاف و تبیین میزان تحقق عدالت در طرح جامع ارومیه و در توزیع فضایی خدمات و دستیابی ساکنین به آن‌ها اقدام می‌نماید. در ادامه به ارزیابی معیارهای عدالت فضایی

جدول ۲: دسته‌بندی برخورداری از خدمات

سطح برخورداری از خدمات	امتیاز ماباک
برخوردار	بیش‌تر از ۰.۱
نسبتاً برخوردار	بین ۰ تا ۰.۱
محروم	بین ۰.۱- تا ۰
بسیار محروم	بیش‌تر از ۰.۱-

## ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش ابتدا با بررسی سند طرح جامع ارومیه به ارزیابی عدالت ساختاری پرداخته می‌شود تا میزان توجه طرح جامع به عدالت مشخص شود و در ادامه با بررسی الگوهای توزیعی خدمات به ارزیابی عدالت توزیعی اقدام می‌شود.

### ۵-۱- ارزیابی عدالت ساختاری

در این بخش، ابتدا واژگان مربوط به عدالت و مترادف با آن از متون طرح جامع ارومیه استخراج گردید و در ادامه معیارهای سه‌گانه عدالت فضایی ساختاری (مشارکت، حق به شهر و توانمندسازی) مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج به‌دست آمده، در هیچ‌یک از چشم‌اندازهای ذکر شده در طرح جامع ارومیه نمی‌توان عبارات و واژگان مستقیماً مربوط به عدالت را نظاره کرد. ولی با این وجود، برخی از عبارات ذکر شده در میان این چشم‌اندازها تا حدودی می‌توانند در جهت ارتقای عدالت کارا باشند که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است. در میان موارد ذکر شده در بخش چشم‌انداز طرح جامع ارومیه چنین آمده است: «ساماندهی و سازمان‌دهی جابه‌جایی در شهر» و «دارای سازمان فضایی و ساختار کالبدی مناسب از طریق تأمین خدمات ساکنین، تقویت فضاهای شهری و عمومی، ایجاد مراکز شهری جدید و غیره». در این دو عبارت که سطرهای هفتم و هشتم از چشم‌انداز شهر ارومیه را تشکیل می‌دهد، کلماتی نظیر «ساماندهی جابه‌جایی»، «ساختار کالبدی مناسب» در کنار واژگانی همچون «تأمین خدمات» و «تقویت فضاهای شهری و عمومی» آمده است. به نظر می‌رسد که این هم‌نشینی را باید این‌گونه تفسیر کرد که در این دو عبارت مفهوم

عدالت بیش از هر چیز به معنی «دسترسی به خدمات و زیرساخت‌های شهری» بوده است. تلقی‌ای که عمدتاً کالبدی به مقوله عدالت فضایی است و از پرداختن به مقوله‌های اقتصادی و اجتماعی فاصله دارد. از دیگر موارد چشم‌انداز شهر ارومیه عبارت «شهری با فرهنگ شهری مناسب و تقویت‌شده از طریق گسترش امکانات گذران اوقات فراغت» که نشان می‌دهد که کاربرد مفهوم «فرهنگ شهری» در این چشم‌انداز کالبدی است و در حد و اندازه‌های مفاهیم بنیادین دیگری همچون «آزادی‌های مدنی»، «مشارکت اجتماعی» و یا «کرامت انسانی» ظاهر نشده است. همچنین، واژگان عدالت در چشم‌انداز به مواردی نظیر «قانون‌مداری» و «تنوع فرهنگی، قومی/دینی/اجتماعی» نیز اشاره شده است. از عبارات اهداف چهارگانه طرح جامع ارومیه که شامل «ساماندهی سازمان فضایی و ساختار کالبدی شهر»، «ارتقای کیفیت محیط شهری»، «ارتقای بازدهی عملکرد مدیریت شهری در فرآیند توسعه و عمران شهر» و «توانمندسازی شهروندان برای مشارکت در توسعه و عمران شهر» است، بر می‌آید که نگاه تهیه‌کنندگان طرح جامع در زمان تدوین اهداف، عمدتاً کالبدی بوده است. اشاره به توانمندسازی شهروندان نیز در حد «رفع کمبودهای خدماتی در محلات حاشیه‌ای» و «بازسازی بافت‌های فرسوده و مسئله‌دار» و امثالهم در نظر گرفته شده است که عمدتاً معطوف بعد کالبدی است. راهبردها و سیاست‌های توسعه شهر ارومیه، به‌مراتب نسبت به اهداف، جامع‌نگرتر و کامل‌ترند. در جدول ذیل، راهبردها و سیاست‌هایی که کمابیش با واژگان مرتبط با عدالت سروکار دارند، به تفکیک راهبردها عرضه شده است.



جدول ۳: تحلیل محتوای راهبردها و سیاست‌های طرح جامع ارومیه بر اساس تکنیک نشانه‌شناسی دوسوسور

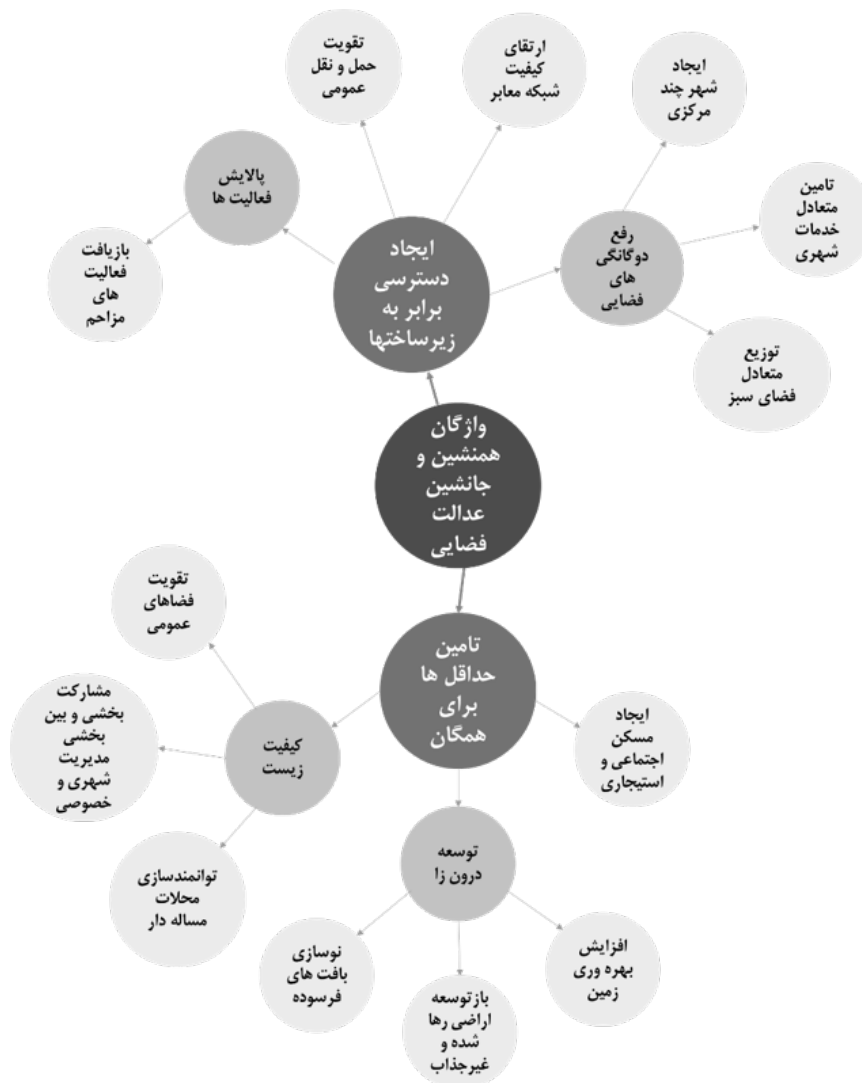
راهبرد	سیاست	عدالت
تقویت سازمان فضایی عملکردهای شهری	تقویت ساختار سلسله‌مراتبی برای عملکردهای شهری به‌ویژه خدمات شهری - ایجاد هسته‌ها و مراکز عملکردی- تخصصی در قسمت‌های مختلف شهر - ساماندهی هم‌جواری کاربری‌ها و پالایش هسته مرکزی شهر - بسترسازی برای ایجاد شهر چند مرکزی (با مرکزیت اصلی مرکز کنونی شهر)	در این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن واژگانی چون پالایش شهری و ایجاد شهر چندمرکزی (برای جلوگیری از دوقطبی شدن) جانشین واژه عدالت فضایی در شهر شده است. چنین به نظر می‌رسد که منظور از پالایش در سیاست‌های این راهبرد، همان ساماندهی مراکز و گستره‌های فعالیت‌های ناکارآمد به‌ویژه در مرکز شهر چون راه‌آهن، کارگاه‌ها، مخازن نفت، مراکز نظامی و غیره مراکز غیرجذاب شهری باشد. در این راستا جایگزینی فعالیت‌های ناکارآمد موجود شهری با فعالیت‌های تخصصی و نوین مدنظر تهیه‌کنندگان طرح بوده است. همچنین سیاست‌های این راهبرد از آن جهت در بحث عدالت اهمیت دارد که در آن به حمایت از مکان‌ها و مناطقی به‌ویژه در غرب پرداخته شده است که در حال حاضر از توسعه کافی برخوردار نیست. از این‌رو، عدالت به سمت حمایت از مناطق کم‌برخوردار غلتیده و هدف آن جلوگیری از دوقطبی شدن ادراک شده است.
تقویت ساختار کالبدی	- تجمیع و تمرکز خدمات در پهنه‌های شهری مناسب - افزایش مزیت نسبی اراضی فاقد کاربری داخل شهر برای توسعه و استقرار کاربری‌های شهری در آن‌ها - جلوگیری از گسترش فیزیکی شهر - شناسایی پهنه‌های مستعد شهر برای بارگذاری (تراکم ساختمانی، تراکم فعالیتی و غیره) بیش‌تر	- این راهبرد و سیاست‌های آن به دلیل این‌که به چگونگی استفاده از زمین اشاره دارد، در بحث عدالت مهم است. در این راهبرد به واژه‌ی عدالت به‌طور مستقیم اشاره نشده است، اما به نظر می‌رسد در آن افزایش بهره‌وری زمین جانشین عدالت شده باشد. از این‌رو، سیاست‌های اجرایی راهبرد حاضر به سمت توسعه درون‌زای شهر (جلوگیری از رشد فیزیکی شهر) و استفاده‌ی بهینه از زمین در قالب افزایش تراکم ساختمانی و فعالیتی، تجمیع و تمرکز خدمات و بازیابی اراضی شهری به‌خصوص اراضی بایر نزدیک شده است.
ارتقای کیفیت سکونت	- تعدیل یا رفع کمبود سرانه زمین خدمات عمومی و تأسیسات و تجهیزات شهری مرتبط با سکونت - ایجاد امکانات لازم برای سکونت جمعیت رو به تزاید شهر - تقویت ساختار سلسله‌مراتبی برای عملکردهای شهری به‌ویژه خدمات - افزایش بارگذاری (تراکم ساختمانی و جمعیتی) اراضی مسکونی متناسب با ظرفیت و امکانات آن‌ها - ارائه ضوابط تشویقی در جهت تجمیع اراضی مسکونی، انبوه‌سازی و بلندمرتبه‌سازی	در این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن واژگانی چون تأمین خدمات موردنیاز سکونت و جمعیت در حال و آینده، استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود برای افزایش بهره‌وری زمین (افزایش بارگذاری و ارائه ضوابط تشویقی تجمیع و بلندمرتبه‌سازی)، جانشین واژه عدالت در شهر شده است. باین‌حال تأکید اصلی سیاست‌های این راهبرد به سمت «عدالت به معنای تعدیل نابرابری‌ها در دسترسی همه شهروندان به خدمات شهری» را در نظر دارد.
ارتقای کیفیت محیط کار و فعالیت	- ساماندهی فعالیت‌های مزاحم شهری و انطباق هم‌جواری فعالیت‌ها - تعیین محل‌های مناسب برای تمرکز استقرار فعالیت‌های اقتصادی - ایجاد واحدهای بزرگ اقتصادی - ضوابط و مقررات انعطاف‌پذیر برای استقرار واحدهای کار و فعالیت	نگاه طرح جامع ارومیه به مقوله عدالت در ارتقای کیفیت محیط کار و فعالیت، به‌طور عمده معطوف بعد کالبدی آن بوده و تکیه اصلی برنامهریزان، بر ساماندهی محیط‌های کسب‌وکار (بازیافت فعالیت‌های مزاحم شهری) و ارائه ضوابط و تأمین اراضی موردنیاز استقرار واحدهای کار و فعالیت می‌باشد.
ارتقای کیفیت محیط گذران اوقات فراغت	- ایجاد و تقویت فضاهای سبز و باز عمومی در قسمت‌های مختلف سازمان‌های فضایی- عملکردی شهر - حفاظت از عناصر تاریخی و طبیعی شهر و تقویت نقش آن‌ها در محیط پیرامونی خود	این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن بر اهمیت فضاهای عمومی تأکید می‌کند. همان‌گونه که در فصل مبانی نظری مشخص شد، هابرماس ضمن بازسازی اندیشه‌های اجتماعی مارکس، عدالت را در عرصه‌های عمومی جستجو می‌کند. هم‌نشینی واژگان عدالت و فضا در سیاست‌های این راهبرد بسیار جالب توجه است.

راهبرد	سیاست	عدالت
ارتقای کیفیت محیط رفت و آمد	- تقویت نقش عملکرد حمل و نقل عمومی در جابه‌جایی‌های داخل - ایجاد مسیرهای حرکت پیاده در محورهای مناسب شهر - تکمیل شبکه معابر شهر و تقویت عملکرد سلسله‌مراتبی معابر	در این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن واژگانی چون «توسعه حمل و نقل همگانی» و «تأمین دسترسی همگان»، جانشین واژه عدالت در شهر شده است.
ارتقای عملکرد بخشی و میان‌بخشی سازمان‌های مدیریت شهری	- ایجاد انطباق بین برنامه‌ها و طرح‌ها و پروژه‌های دستگاه‌های بخشی مدیریت شهری با تحولات توسعه‌ای پیشنهادی در طرح جامع - یافتن راهکارهای جلوگیری از سوداگری و بورس‌بازی زمین - انتخاب روش‌های اجرای طرح‌های توسعه و عمران شهر در راستای تأمین منافع عمومی و جمعیت شهروندان و ارجحیت بر منافع خصوصی	- این راهبرد و سیاست‌های اجرایی آن نشان می‌دهد که مشارکت بخشی و بین‌بخشی در راستای اجرای هرچه بهتر طرح جامع در بین سازمان‌های مدیریت شهری به‌ویژه شهرداری تأکید شده است. همچنین به مسئله رانت و بورس‌بازی زمین در ارومیه توجه دارد و بی‌آن‌که راه‌حلی ارائه دهد، آن را گوشزد می‌کند. به‌رحال این مسئله از چالش‌هایی است که در سالیان گذشته همواره عدالت را در شهر ارومیه تهدید کرده است. همچنین، طرح جامع با اصالت قائل شدن بر تأمین منافع عمومی و جمعیت شهروندان و تقدم آن بر منفعت خصوصی، از یک‌سو به مفهوم چپ‌گرایانه عدالت نزدیک می‌شود.
توانمندسازی شهروندان کم‌درآمد و ساکن در محله‌های حاشیه‌ای و مسئله‌دار	- بازسازی و ساماندهی بافت‌های فرسوده، ناکارآمد و مسئله‌دار - تدوین و اجرای برنامه‌های توانمندسازی برای محلات و جوامع نیازمند به آن در شهر - تقویت سهم مسکن اجتماعی و استیجاری در برنامه‌های توسعه مسکن بخش دولتی - پذیرش لزوم پرداخت یارانه به برخی از ساکنان شهر برای تسهیل و تسریع انطباق وضعیت زندگی و کار آنان با استانداردهای موردنظر	- عدالت فضایی در راهبرد و سیاست‌های آن به‌منابیه توانمندسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و مسئله‌دار در نظر گرفته شده است. در واقع این راهبرد را می‌توان به خاطر تأکید بر مسکن و توجه به مسئله‌ی حاشیه‌نشینان ارزشمند دانست. همچنین، صرف‌نظر از ادبیات مغشوش به‌کار گرفته‌شده در سیاست «پرداخت یارانه»، می‌توان آن را به خاطر تأکید بر ارتقای کیفیت زیست ساکنین در محلات فرسوده در قالب پرداخت یارانه حائز اهمیت دانست.
ارتقای مشارکت بخش خصوصی در برنامه‌های توسعه شهر	- پذیرش حق سرمایه‌گذاران در توسعه و عمران شهر در کسب سود و منفعت شخصی - تعریف و پیشنهاد پروژه‌های سودمند به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی	این راهبرد و سیاست‌های آن به موضوع مشارکت بخش خصوصی در برنامه‌های توسعه شهری اشاره کرده است. اما آیا می‌توان با وجود سیاست ارجحیت منافع عمومی بر منافع خصوصی، تعارض منافع بین منافع عمومی و خصوصی را حل و فصل نمود، طوری که منافع عمومی در اولویت باشد؟

در واقع، تعبیر سند از عدالت فضایی بیش‌تر بر بعد کالبدی معطوف است. بدین معنا، در بیش‌تر موارد، عدالت در سند طرح جامع به معنی «توزیع متعادل کاربری‌های خدماتی و فضای سبز، توسعه شبکه معابر و حمل‌ونقل عمومی، تقویت فضاهای عمومی، نوسازی بافت فرسوده و پالایش فعالیت‌ها» در نظر گرفته شده است.

با توجه به مطالب گفته‌شده، می‌توان گفت که طرح جامع در هر چهار بخش مورد مطالعه (چشم‌انداز، اهداف، راهبردها و سیاست‌ها) ولو به‌صورت غیرمستقیم، به مفاهیم مرتبط با عدالت متوجه است. منظور از عدالت فضایی در سند طرح جامع ارومیه، دسترسی همگان به زیرساخت‌های شهری و تأمین حداقل‌ها برای همه است.

شکل ۲: نشانه‌شناسی کاربرد واژگان هم‌نشین و جانشین مرتبط با عدالت فضایی در سند طرح جامع ارومیه



شهروندان برای برخورداری از فضای با هویت و با فرهنگ غنی را نادیده می‌گیرد. طرح جامع ارومیه از حیث معیار حق به شهر نیز وضعیت مناسبی ندارد. اشاره طرح جامع ارومیه به موضوع توانمندسازی، منحصر به موضوع نوسازی بافت‌های فرسوده و مسئله‌دار بوده است که این اشاره با پرداخت یارانه به افراد همراه است. آنچه در بحث نوسازی بافت‌های فرسوده در حال رخ دادن است، ارائه تراکم تشویقی به منظور نوسازی واحدها و تجمیع قطعات است. در واقع، انحصار موضوع توانمندسازی به نوسازی شهری تقلیل موضوع به امر کالبدی به حساب می‌آید و توجهی به مباحث اجتماعی (توانمندسازی اجتماعی) و اقتصادی (توانمندسازی اقتصادی) ساکنین در طرح جامع نشده است. در واقع طرح جامع ارومیه به نقش برنامه‌ریز در مباحث نظیر آموزش شهروندی، بسیج اجتماعی و کارآفرینی توجهی ندارد.

مطابق تحلیل محتوای سند، آنچه از «مشارکت» در سند طرح جامع ارومیه مطرح شده، تنها مشارکت بخشی و بین بخشی و مشارکت بخش خصوصی است و اصلاً توجهی به مشارکت شهروندان نشده است. نتایج نشان می‌دهد که مشارکت شهروندی نه تنها در متن سند و در روند تهیه طرح دیده نشده، بلکه حتی مشارکت بخشی و بین بخشی گفته شده در سند نیز به شکل جدی دنبال نشده است. بنابراین، اگر بنا باشد سطح مشارکت شهروندان در طرح جامع ارومیه مشخص گردد، این مشارکت در پایین‌ترین سطح خود بوده است. یافته‌های حاصل از مطالعات اسنادی، نشان‌دهنده تقلیل دادن مفهوم حق به شهر به «حق دسترسی به خدمات و شبکه حمل‌ونقل عمومی برای همه» است. این تصور، اگر چه بخشی از حقوق شهروندان برای زندگی شهری را پوشش می‌دهد، اما عمدتاً با نگاهی کالبدگرایانه به شهر می‌نگرد و حق

## ۵-۲- ارزیابی عدالت توزیعی

از شهر و در نتیجه برخورداری بیش‌تر منطقه‌ای خاص و کم‌برخوردارای سایر مناطق و محرومیت آن‌ها از این تسهیلات است. از طرفی توزیع فضایی کاربری ورزشی از الگوی تصادفی تبعیت می‌کند، یعنی این کاربری در مکان‌های خاصی تمرکز نیافته است و به‌صورت تصادفی در سطح شهر پخش شده‌اند. همچنین وضعیت توزیع کاربری‌ها در مقیاس‌های مختلف عملکردی نیز در جدول ذیل، نشان داده شده است.

براساس آخرین اطلاعات کاربری‌های برداشت‌شده توسط شهرداری ارومیه در سال ۱۳۹۹ و با تجزیه و تحلیل‌های صورت‌گرفته توسط نویسندگان در نرم افزار GIS، نتایج شاخص نزدیک‌ترین همسایگی بصورت جدول ذیل بدست آمد که براساس آن در مجموع الگوی پراکنش فضایی کاربری‌ها به‌جز ورزشی به‌صورت خوشه‌ای می‌باشد. این مسئله بیانگر تمرکز کاربری‌ها (به‌جز ورزشی) در بخشی

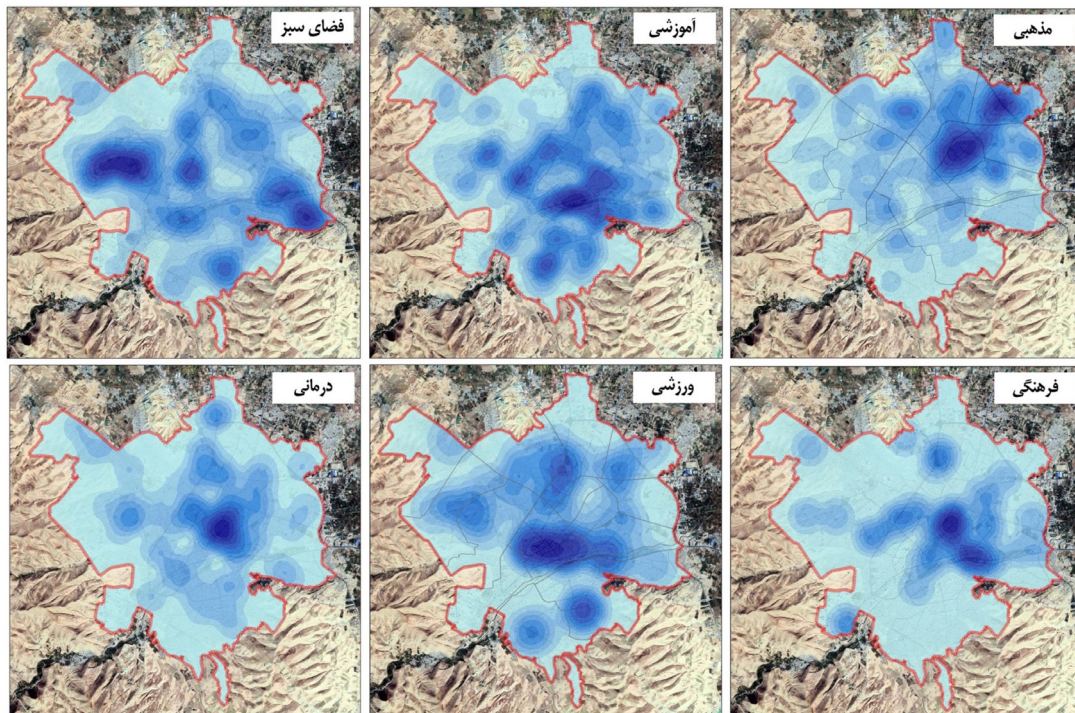
جدول ۴: نتایج محاسبات ضریب نزدیک‌ترین همسایگی کاربری‌های شهر ارومیه

کاربری	متوسط فاصله مشاهده‌شده	متوسط فاصله مورد انتظار	نسبت نزدیک‌ترین همسایگی	امتیاز استاندارد شده (Z)	مقدار احتمال	الگوی توزیع
فرهنگی	۴۸۱.۲۱۹۰	۶۰۱.۵۰۳۷	۰.۸۰۰۰۲۷	-۲.۵۰۸۶۳۴	۰.۰۱۲۱۲۰	خوشه‌ای
مذهبی	۳۰۱.۰۸۳۰	۴۰۳.۰۷۱۰	۰.۷۴۶۹۷۳	-۷.۹۶۸۶۱۶	۰.۰۰۰۰۰۰	خوشه‌ای
درمانی	۵۹۸.۱۶۹۴	۶۹۵.۲۰۵۸	۰.۶۹۶۳۰۴	-۷.۳۰۲۹۶۲	۰.۰۰۰۰۰	خوشه‌ای
شهری	۵۱۱.۲۱۴۱	۵۵۴.۲۹۱۴	۰.۶۳۳۲۰۰	-۸.۹۰۳۷۴۸	۰.۰۰۰۰۰	خوشه‌ای
کل	۴۰۵.۱۲۵۸	۴۵۹.۹۳۰۶	۰.۷۶۲۵۲۲	-۴.۹۱۴۱۲۷	۰.۰۰۰۰۰	خوشه‌ای
آموزشی	۴۰۶.۲۷۶۰	۴۳۸.۲۵۴۸	۰.۹۲۷۰۳۱	-۱.۳۸۸۹۴۲	۰.۱۶۴۸۵۰	تصادفی
دبستان	۵۸۸.۰۱۲۸	۷۲۱.۲۵۰۳	۰.۸۱۵۲۶۹	-۳.۱۰۱۱۰۶	۰.۰۰۱۹۲۸	خوشه‌ای
راهنمایی	۵۸۸.۸۹۹۰	۵۶۷.۵۷۶۷	۱.۰۳۷۵۶۷	۰.۴۶۰۱۸۴	۰.۶۴۵۳۸۴	تصادفی
دبیرستان	۴۷۲.۸۸۰۸	۴۷۳.۵۴۳۴	۰.۹۹۸۶۰۱	-۰.۰۲۰۳۸۸	۰.۹۸۳۷۳۴	تصادفی
کل	۲۱۰.۱۹۱۶	۳۹۷.۵۵۸۶	۰.۵۲۸۷۰۶	-۱۴.۹۵۱۶۵۲	۰.۰۰۰۰۰	خوشه‌ای
فضای سبز	۲۶۷.۳۸۸۲۱	۴۲۵.۹۱۰۸۰۸	۰.۶۲۷۸۰۵	-۷.۷۶۷۳۹۲	۰.۰۰۰۰۰۰	خوشه‌ای
ناحیه‌ای	۴۷۸.۵۶۹۰	۵۵۳.۵۰۰۲	۰.۸۶۴۶۲۳	-۱.۸۸۵۴۴۴	۰.۰۵۹۳۷۰	نسبتاً خوشه‌ای
شهری	۳۷۰.۷۹۶۹	۵۳۴.۴۹۲۳	۰.۶۹۳۷۳۷	-۳.۸۴۲۰۲۵	۰.۰۰۰۰۰۰	خوشه‌ای
کل	۲۰۶.۲۷۳۷	۳۱۷.۶۶۹۲	۰.۶۴۹۳۳۵	-۹.۸۳۶۵۴۵	۰.۰۰۰۰۰۰	خوشه‌ای
ورزشی	۲۵۳۳.۲۱۲۷	۱۲۶۰.۳۹۴۰	۲.۰۰۹۸۵۸	۴.۷۳۲۲۳۹	۰.۰۰۰۰۰۰۲	پراکنده
ناحیه‌ای	۲۷۹۰.۸۹۰۳	۱۷۷۸.۱۸۸۲	۱.۵۶۹۵۱۳	۳.۲۶۸۵۵۷	۰.۰۰۱۰۸۱	پراکنده
شهری	۸۶۰.۲۶۷۱	۷۶۸.۰۲۵۹	۱.۱۲۰۱۰۲	۱.۱۲۵۶۰۱	۰.۲۶۰۳۳۳	تصادفی
کل	۹۰۹.۱۷۲۶	۱۰۱۱.۹۰۶۲	۰.۸۹۸۴۷۵	-۱.۲۱۲۹۲۹	۰.۲۲۵۱۵۷	تصادفی

از منطقه ۵ است. بیش‌ترین تراکم کاربری آموزشی در نواحی توسعه‌یافته و مرکزی شهر قابل مشاهده است. در رابطه با تراکم برخوردارای از کاربری فضای سبز می‌توان گفت که در مجموع برخوردارای نواحی مرفه و توسعه‌یافته از فضای سبز بیش‌تر از سایر نواحی می‌باشد. در نهایت، تراکم کاربری ورزشی بیش‌تر در نواحی مرکزی و جدید شهر ارومیه قابل مشاهده است. در مجموع می‌توان گفت که اکثر کاربری‌ها در نواحی مرکزی شهر متمرکز شده‌اند.

نتایج تراکم کرنل نشان می‌دهد که تراکم برخوردارای از کاربری فرهنگی در نواحی مرکزی شهر قابل مشاهده است، به‌طوری که بیش‌ترین تراکم مربوط به نواحی منطقه ۴ و در پیرامون بافت تاریخی این شهر است. تراکم کاربری مذهبی بیش‌تر در نواحی قدیمی و حاشیه‌ای می‌باشد، به‌طوری که بیش‌ترین تراکم مربوط به نواحی مناطق ۲ و ۴ است. تراکم کاربری درمانی بیش‌تر در نواحی مرکزی شهر قابل مشاهده است، به‌طوری که بیش‌ترین تراکم مربوط به نواحی ۱، ۲ و ۴ از منطقه ۴ و ناحیه ۱

شکل ۳: تراکم کرنل کاربری‌های شهر ارومیه



کاربری مذهبی می‌باشد و نزدیک به ۶۰ درصد از مساحت شهر ارومیه تحت پوشش کاربری مذهبی قرار دارند. نتایج رتبه‌بندی نشان می‌دهد که نواحی ۲، ۳ و ۴ منطقه ۴ و نواحی ۳ گانه منطقه ۲، به لحاظ برخورداری از خدمات مذهبی در سطح "برخوردار" و نواحی ۲ و ۳ منطقه ۱، نواحی ۲ و ۳ منطقه ۳ و ناحیه ۲ منطقه ۵ در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

محدوده خدمات‌رسانی و شعاع دسترسی خدمات درمانی (بر اساس ضوابط شورای عالی شهرسازی و معماری ایران)، ۷۵۰ متر برای مقیاس محلی و ۱۵۰۰ متر برای مقیاس شهری در نظر گرفته شده است. ۳۳.۸ درصد جمعیت که تقریباً نیمی از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش خدمات درمانی محلی نیستند و حدود یک‌چهارم جمعیت شهر که یک‌سوم مساحت شهر را دارند، تحت پوشش خدمات درمانی شهری قرار ندارند. در مجموع، منطقه ۱ با میانگین حدود ۶۰ درصد جمعیت تحت پوشش خدمات درمانی پایین‌ترین میزان را دارد و بهترین وضعیت نیز مربوط منطقه ۴ با میانگین حدود ۸۸ درصد میزان تحت پوشش قرارگرفتن جمعیت می‌باشد. نتایج رتبه‌بندی نشان می‌دهد که نواحی ۱، ۲ و ۴ منطقه ۴ و ناحیه ۱ منطقه ۵ در سطح "برخوردار" و نواحی ۱ و ۳ منطقه ۱ و ناحیه ۳ منطقه ۳، در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

محدوده خدمات‌رسانی و شعاع دسترسی کاربری آموزشی (بر اساس سرانه کاربری‌های شهری دکتر حبیبی)، ۵۰۰ متر برای مهدکودک، ۸۰۰ متر برای دبستان، ۱۲۰۰ متر

بر اساس آخرین اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران و آخرین اطلاعات کاربری‌های برداشت‌شده توسط شهرداری ارومیه در سال ۱۳۹۹ و با تجزیه و تحلیل‌های صورت‌گرفته توسط نویسندگان در نرم‌افزار GIS، قابلیت دستیابی ساکنان به خدمات از منظر قرارگیری در محدوده خدمات‌رسانی و میزان پاسخ‌دهی خدمات به جمعیت مورد بررسی قرار می‌گیرند. از این‌رو، بر اساس فاصله استاندارد کاربری‌ها به بررسی درصد جمعیت و مساحت تحت پوشش خدمات در مقیاس‌های مختلف عملکردی پرداخته شد. در نهایت نواحی ۱۵ گانه ارومیه به لحاظ برخورداری از خدمات با مدل ماباک اقدام شد. در ادامه نتایج به طور خلاصه آورده شده است:

شعاع دسترسی کاربری فرهنگی (بر اساس ضوابط شورای عالی شهرسازی و معماری ایران)، ۶۰۰ متر در نظر گرفته شده است که ۳۶.۲ درصد از جمعیت شهر ارومیه تحت پوشش خدمات فرهنگی می‌باشند و ۶۳.۸ درصد جمعیت که نزدیک به ۷۰ درصد از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش خدمات فرهنگی نیستند. نتایج رتبه‌بندی نشان می‌دهد که نواحی چهارگانه منطقه ۴ و ناحیه ۱ منطقه ۵، به لحاظ برخورداری از خدمات فرهنگی در سطح "برخوردار" قرار دارند و نواحی ۲ و ۳ منطقه ۱ و ناحیه ۳ منطقه ۲ در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

محدوده خدمات‌رسانی و شعاع دسترسی کاربری مذهبی، ۴۰۰ متر در نظر گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که حدود ۸۲ درصد از جمعیت شهر ارومیه تحت پوشش

سبز ناحیه‌ای نیستند و حدود ۲۰ درصد جمعیت شهر که تقریباً یک‌چهارم مساحت شهر را دارند، تحت پوشش فضای سبز مقیاس شهری نیستند. نتایج رتبه‌بندی نشان می‌دهد که نواحی ۱، ۲ و ۴ منطقه ۴ و ناحیه ۱ منطقه ۵، به لحاظ برخورداری از کاربری فضای سبز در سطح "برخوردار" قرار دارند و ناحیه ۳ منطقه ۲ و ناحیه ۳ منطقه ۳ نیز در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

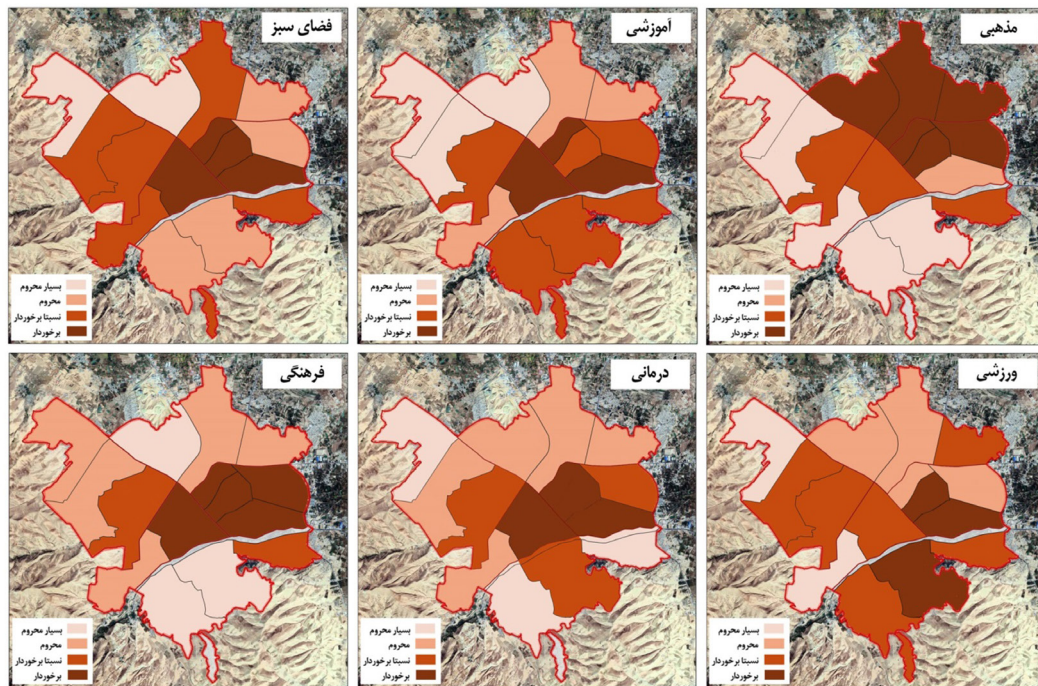
محدوده خدمات‌رسانی و شعاع دسترسی کاربری ورزشی (بر اساس مطالعات تفصیلی توسعه ورزش کشور)، ۵۰۰ متر برای مقیاس محله‌ای، ۱۰۰۰ متر برای مقیاس ناحیه‌ای و ۲۰۰۰ متر برای مقیاس شهری در نظر گرفته شده است. حدود ۹۲ درصد جمعیت که تقریباً ۹۰ درصد از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش کاربری ورزشی محله‌ای نیستند و حدود ۶۵ درصد جمعیت شهر که ۷۵ درصد از مساحت شهر را دارند، تحت پوشش کاربری ورزشی ناحیه‌ای قرار ندارند و حدود ۱۶ درصد از مساحت شهر را دارند، تحت پوشش ورزشی مقیاس شهری نمی‌باشند. ناحیه ۲ منطقه ۱ و نواحی ۱ و ۲ منطقه ۴ به لحاظ برخورداری از ورزشی در سطح "برخوردار" و ناحیه ۳ منطقه ۳ و ناحیه ۲ منطقه ۵ در سطح "بسیار محروم" قرار دارند.

برای راهنمایی و ۱۵۰۰ متر برای دبیرستان در بین نواحی و مناطق شهر ارومیه مورد مقایسه قرار گرفته است. حدود ۳۲ درصد جمعیت که تقریباً نیمی از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش مهدکودک نیستند. حدود ۱۸ درصد جمعیت شهر که یک‌سوم مساحت شهر را دارند، تحت پوشش خدمات آموزشی مقطع دبستان نیستند. حدود ۱۹ درصد جمعیت شهر که تقریباً یک‌سوم مساحت شهر را دارند، تحت پوشش خدمات آموزشی مقطع راهنمایی قرار ندارند. حدود ۵ درصد جمعیت شهر که حدود ۱۵ درصد مساحت شهر را دارند، تحت پوشش خدمات آموزشی مقطع دبیرستان نمی‌باشند. نواحی ۱ و ۴ منطقه ۴ و ناحیه ۱ منطقه ۵، به لحاظ برخورداری از آموزشی در سطح "برخوردار" و نواحی ۲ و ۳ منطقه ۳ و ناحیه ۳ منطقه ۲، در سطح "بسیار محروم" قرار دارند. محدوده خدمات‌رسانی و شعاع دسترسی فضای سبز (بر اساس سرانه کاربری‌های شهری دکتر حبیبی)، ۳۷۵ متر برای مقیاس محله‌ای، ۷۵۰ متر برای مقیاس ناحیه‌ای و ۱۵۰۰ متر برای مقیاس شهری در نظر گرفته شده است. حدود ۵۳ درصد جمعیت که تقریباً نیمی از مساحت شهر را تشکیل می‌دهند، تحت پوشش کاربری فضای سبز محله‌ای نیستند و حدود ۴۲ درصد جمعیت شهر که نیمی از مساحت شهر را دارند، تحت پوشش فضای

جدول ۵: درصد جمعیت تحت پوشش کاربری‌ها در نواحی و مناطق ارومیه

منطقه / ناحیه	فرهنگی	مذهبی	درمانی		آموزشی		پارک و فضای سبز		ورزشی					
			شهری	محلی	دبستان	راهنمایی	محلی	ناحیه	شهری	محلی	ناحیه	شهری		
۱	۳۹.۵۵	۸۵.۷۵	۵۷.۴	۲۴.۸	۵۸.۰۵۱	۹۹.۶۸	۱۰۰	۱۰۰	۲۱.۶۷	۸۸.۵۱	۱۰۰	۴۷.۳۹	۰	۷۶.۱۸
۲	۱۹.۷۶	۶۱.۷۸	۷.۵۲	۹۹.۹	۸۱.۰۴	۹۰.۸۹	۹۲.۱۵	۱۰۰	۷۷.۳۷	۷۷.۳۷	۱۰۰	۹۸.۰۹	۵۵.۸۵	۱۰۰
۳	۳.۳۱	۴۸.۸۲	۵.۳۹	۳.۷۱	۸۰.۰۵	۹۰.۶۹	۹۵.۳۹	۱۰۰	۳۲.۷۴	۵۸.۴۲	۱۰۰	۶۹.۹۳	۵۳.۷۷	۱۰۰
کل	۱۷.۶۴	۶۱.۸۰	۴۸.۷	۷۴.۱	۷۶.۰۳	۹۲.۵۹	۹۵.۸۹	۱۰۰	۷۲.۵۷	۷۲.۵۷	۱۰۰	۸۸.۰۰	۱۷.۰۴	۹۵.۱۹
۱	۲۳.۳۳	۱۰۰	۸۱.۵	۵۸.۵	۹۷.۴۷	۸۷.۴۵	۶۴.۸۴	۸۸.۹۹	۲۰.۴۸	۴۷.۴۶	۱۰۰	۴۷.۴۶	۵۹.۶۳	۱۰۰
۲	۲۹.۴۴	۹۸.۷۱	۵۴.۷	۹۱.۶	۷۶.۷۸	۷۹.۸۵	۸۳.۷۲	۸۲.۵۲	۳۴.۸۲	۶۶.۶۹	۹۵.۷۹	۶۶.۶۹	۱۶.۵۸	۹۰.۰۳
۳	۸.۳۲	۹۶.۹۷	۹.۴۶	۶۳.۴	۱۴.۸۲	۲۲.۰۶	۵۷.۴۵	۹۹.۳۱	۵.۳۸	۳۷.۷۲	۶۷.۵۸	۳۷.۷۲	۰	۱۰۰
کل	۲۰.۱۱	۹۸.۴۸	۵۹.۹	۷۱.۷	۶۰.۹۲	۶۱.۵۷	۶۸.۷۶	۹۰.۴۲	۲۰.۰۸	۵۰.۶۶	۸۷.۰۱	۵۰.۶۶	۲۳.۵۱	۹۶.۵۴
۱	۴۴.۱۸	۸۶.۳۷	۷۱.۳	۹۶.۶	۵۵.۱۸	۹۰.۸۲	۸۷.۶۳	۹۵.۱۴	۶۱.۵۸	۸۷.۹۳	۵۸.۱۳	۸۷.۹۳	۱۶.۴۶	۹۵.۲۰
۲	۲۳.۷۳	۶۶.۷۷	۵.۷۰	۵۴.۶	۶۸.۵۷	۷۲.۲۹	۴۶.۷۸	۹۳.۷۶	۳۳.۰۸	۹۶.۳۹	۵۹.۰۱	۹۶.۳۹	۳۸.۱۰	۹۶.۰۸
۳	۳۸.۴۲	۵۸.۶۷	۷۳.۹	۰	۱۵.۵۶	۷۰.۵۶	۷۹.۸۰	۷۱.۵۸	۲۳.۰۵	۹۲.۰۳	۲.۷۲	۹۲.۰۳	۱۸.۴۴	۶۲.۱۷
کل	۳۶.۷۴	۷۵.۶۹	۵.۷۱	۶۷.۸	۵۳.۱۲	۸۱.۶۷	۷۳.۳۵	۹۰.۹۳	۴۶.۳۳	۹۱.۲۸	۴۹.۵۵	۹۱.۲۸	۱۱.۵۳	۹۰.۲۰
۱	۸۹.۸۲	۷۴.۸۱	۹۰.۳	۸.۸۲	۹۶.۱۸	۱۰۰	۹۱.۶۱	۱۰۰	۴۱.۵۹	۸۳.۶۰	۱۰۰	۸۳.۶۰	۷۱.۳۴	۹۵.۷۸
۲	۹۳.۷۴	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۴۲.۵۱	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۹.۱۸	۹۶.۴۷	۱۰۰	۹۶.۴۷	۳۲.۲۵	۱۰۰
۴	۶۰.۱۹	۹۹.۳۱	۶۸.۵	۵.۸۶	۸۲.۵۵	۹۱.۸۵	۶۲.۹۹	۹۵.۰۷	۴۶.۴۱	۳۲.۳۵	۹۹.۷۶	۳۲.۳۵	۷.۵۴	۵۷.۶۶
۴	۶۰.۷۹	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۷.۸۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۴۹.۲۹	۸۶.۲۱	۱۰۰	۸۶.۲۱	۷.۷۵	۱۰۰
کل	۷۵.۵۶	۹۱.۵۳	۸۵.۶	۸۹.۵	۷۷.۰۱	۰.۹۹۷	۸۴.۰۷	۹۸.۲۴	۴۸.۵۴	۶۷.۶۱	۹۹.۹۱	۶۷.۶۱	۹.۹۴	۸۳.۵۴
۱	۷۹.۰۹	۸۹.۹۱	۹۹.۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۶۹.۶۸	۷۴.۹۱	۸۶.۸۲	۷۴.۹۱	۶۴.۳۷	۱۰۰
۲	۲۲.۸۴	۵۶.۲۶	۵۳.۹	۸۶.۸	۷۳.۱۸	۷۶.۵۹	۸۰.۴۸	۸۷.۲۳	۵۹.۸۵	۸۴.۱۳	۶۴.۰۱	۸۴.۱۳	۳۳.۴۰	۶۹.۱۰
کل	۵۵.۵۹	۷۵.۸۵	۸۰.۱	۹۴.۵	۸۸.۷۹	۹۰.۲۲	۹۱.۸۴	۹۴.۶۶	۶۵.۵۸	۷۸.۷۶	۷۷.۲۹	۷۸.۷۶	۵۱.۴۳	۸۷.۰۹
ارومیه	۳۶.۲۳	۸۱.۷۷	۶۶.۲	۷۷.۹	۶۷.۸۷	۱۳.۸۲	۸۰.۷۹	۹۴.۵۳	۴۷.۱۵	۵۸.۳۲	۸۰.۳۱	۵۸.۳۲	۸.۳۸	۹۱.۶۶

شکل ۴: رتبه‌بندی نواحی ۱۵ گانه ارومیه به لحاظ برخورداری از خدمات با مدل ماباک



## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه، برای نخستین بار با بررسی چيستی مفهوم عدالت در قالب سنخ‌شناسی مفهومی نظریه‌های عدالت محور به ارائه چارچوبی برای ارزیابی عدالت فضایی و نهادینه‌سازی آن در فضاهای شهری به صورت عدالت ساختاری (کیفی) و عدالت توزیعی (کمی) دست‌یافته است که توأمان در شهر ارومیه مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های مطالعه عدالت ساختاری نشان می‌دهد که عدالت فضایی ساختاری را می‌توان از طریق سه معیار اصلی «مشارکت شهروندی»، «توانمندسازی» و «حق به شهر» تعریف و ارزیابی کرد. ارزیابی کیفی سند طرح جامع ارومیه با کاربست تکنیک تحلیل گفتمان با تأکید بر نشانه‌شناسی دوسوسور (که پیش از این تجربه نشده بود)، نشان می‌دهد که طرح جامع ارومیه توجهی عمدتاً کالبدی نه همه‌جانبه به مقوله عدالت فضایی داشته است. همچنین یافته‌های مطالعه عدالت توزیعی نشان می‌دهد که عدالت فضایی توزیعی را می‌توان از طریق توزیع فضایی خدمات و قابلیت دستیابی ساکنین به خدمات و رتبه‌بندی نواحی ارومیه از حیث برخورداری از خدمات با روش جدید ماباک (که پیش از این تجربه نشده بود) ارزیابی نمود که نتایج نشان می‌دهد، نابرابری در توزیع و دستیابی ساکنین به خدمات به شکل قابل توجه در شهر ارومیه وجود دارد. در شهر ارومیه هر چند در سند طرح جامع برخی

مؤلفه‌های منطبق بر مفاهیم عدالت فضایی وجود داشته و منظور از عدالت فضایی در سند «دسترسى همگان به زیرساخت‌های شهری و تأمین حداقل‌ها برای همه» استنباط شده است، اما در بستر توزیعی و پیاده‌سازی به نتیجه عادلانه منجر نشده است. در واقع، با این که توجه به مقوله عدالت فضایی در سند طرح جامع ارومیه بیش‌تر معطوف به بعد کالبدی است و از توجه به سایر جنبه‌ها غفلت گردیده است، ولی همان میزان توجه در عمل نیز، ناعادلانه توزیع شده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اولاً سیاست‌های‌گذاری شهری در بستر اسناد توسعه شهری توجهی عمدتاً کالبدی به مقوله عدالت فضایی داشته‌اند و همان سیاست‌ها نیز در بستر توزیع از راه‌هایی پیاده‌سازی می‌شوند که غیر دموکراتیک بوده و فضاهایی که در این فرآیند تولید و بازتولید می‌شوند، در پاسخگویی به نیاز طبقات محروم و کم‌درآمد شهری شکل نگرفته‌اند. با این تفاسیر می‌توان این گزاره مهم را مورد توجه قرار داد که سیاست‌گذاری نسبتاً عادلانه می‌تواند به نتایج ناعادلانه منجر شود. در نتیجه مدیریت شهری شهرها و از جمله شهر ارومیه باید بتواند بین معیارها و ارزش‌های مورد توجه در گفتمان عدالت فضایی (فرآیندهای تصمیم‌سازی در سند اسناد شهری و توزیع فضایی خدمات در حوزه‌های جغرافیایی) در سیاست‌گذاری‌ها و در توزیع تعادل برقرار کنند.

شکل ۵: نمودار یافته‌ها



در مقاله حاضر به منظور ارزیابی عدالت ساختاری سه معیار توانمندسازی، حق به شهر و مشارکت شهروندی از نظریه‌های عدالت‌محور استخراج شد و در سند طرح جامع ارومیه مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که سند مذکور تا چه میزان در تحقق عدالت تلاش کرده است. بر اساس نتایج به دست آمده، طرح جامع ارومیه نه در متن سند و نه در تهیه طرح به مشارکت مردم توجهی نداشته است. در معیار توانمندسازی نیز به مقولاتی مانند کارآفرینی، خلاقیت، آموزش شهروندی و بسیج اجتماعی و غیره توجهی نشده است. تقلیل دادن مفهوم حق به شهر به دسترسی به خدمات و حمل‌ونقل و نادیده گرفتن حق شهروندان در برخورداری از فرصت‌های برابر آموزشی، اقتصادی و فرهنگی از نتایج بررسی معیار حق به شهر

در مقاله حاضر به منظور ارزیابی عدالت ساختاری سه معیار توانمندسازی، حق به شهر و مشارکت شهروندی از نظریه‌های عدالت‌محور استخراج شد و در سند طرح جامع ارومیه مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که سند مذکور تا چه میزان در تحقق عدالت تلاش کرده است. بر اساس نتایج به دست آمده، طرح جامع ارومیه نه در متن سند و نه در تهیه طرح به مشارکت مردم توجهی نداشته است. در معیار توانمندسازی نیز به مقولاتی مانند کارآفرینی، خلاقیت، آموزش شهروندی و بسیج اجتماعی و غیره توجهی نشده است. تقلیل دادن مفهوم حق به شهر به دسترسی به خدمات و حمل‌ونقل و نادیده گرفتن حق شهروندان در برخورداری از فرصت‌های برابر آموزشی، اقتصادی و فرهنگی از نتایج بررسی معیار حق به شهر

جدول ۶: پیشنهاد و راهکارهای ارتقای عدالت ساختاری در روند تهیه طرح جامع و عدالت توزیعی در ارومیه

محور	راهبرد	پیشنهاد و راهکار
علاقه‌مند کردن	حذف نگرش‌های منفی	- ارزش و اعتبار قائل شدن برنامه‌ریزان، مدیران و سایر افراد در طرح نسبت به این مهم که شهروندان دارای توان بالقوه مشارکت می‌باشند؛ - ایجاد ساختار قانونی و فراهم نمودن زمینه‌های حقوقی و قانونی برای مشارکت همه.
	علاقه‌مند کردن	- نظرسنجی از شهروندان جهت ارزیابی میزان رضایتمندی آن‌ها از پروژه و برنامه‌های تهیه‌شده و اجراشده؛ - برگزاری نمایشگاه‌ها، نشست‌ها و کارگاه‌ها از طرف نهادهای متولی به منظور ارتقاء آگاهی شهروندان از طرح‌ها؛ - اطلاع‌رسانی منظم و ارائه گزارشی از بازخوردهای مشارکت یا عدم مشارکت برای عموم مردم.
	کنترل شهروندان	- پاسخگو بودن مدیران به شهروندان نسبت به سؤالات و ابهامات افراد و فراهم کردن پایگاه‌های جوابگویی؛ - برگزاری جلسات هم‌اندیشی و میزگرد مدیران شهر و برنامه‌ریزان تهیه طرح با مردم و گروه‌های ذی‌مدخل به منظور نظرخواهی و کمک‌های فکری از آنان (اجماع و توافق عمومی)؛ - ایجاد نهاد و آلتیه‌های دائمی و مستمر در ارتباط با شهروندان و گروه‌های ذی‌مدخل به عنوان مراکز مشورتی و مطالعاتی برای تهیه طرح جهت درگیر کردن و شامل نمودن مداوم و همیشگی شهروندان در تصمیم‌سازی (کنترل شهروندان).



محور	راهبرد	پیشنهاد و راهکار	
توسعه‌سازی	ظرفیت‌سازی و کارآفرینی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- اعطای وام و تسهیل دریافت اعتبارات بانکی برای اشتغال‌زایی پایدار به‌خصوص واحدهای تولیدی بومی؛</li> <li>- استفاده از ویژگی‌ها و توانایی‌های زنان و بسترسازی برای ارتقای نقش آنان در مدیریت مالی خانوار؛</li> <li>- ایجاد و توسعه فضاهای خلاقانه فرهنگی و آموزشی؛</li> <li>- ارائه برنامه‌های آموزشی برای بالابردن مهارت نیروی کار؛</li> <li>- وجود برنامه‌های اشتغال و تشویق به‌کارگیری جوانان بومی؛</li> <li>- ایجاد و تقویت فرصت‌های برابر برای شهروندان جهت دسترسی به شغل و درآمدزایی؛</li> <li>- راه‌اندازی فعالیت‌های کوچک و زودبازده اقتصادی؛</li> <li>- برگزاری دوره‌های کارآفرینی و آموزش فنی و حرفه‌ای به‌ویژه در زمینه‌ی مشاغل بومی؛</li> <li>- مستندسازی و انتشار تجارب کارآفرینان و تکریم و تشویق آنان؛</li> <li>- راه‌اندازی و توسعه انجمن کارآفرینی در شهر ارومیه؛</li> <li>- تشکیل شبکه‌ها و گروه‌های کارآفرین و آموزش مهارت‌های پایه؛</li> <li>- ایجاد صندوق‌های محلی و تعاونی‌های اشتغال و کارآفرینی؛</li> <li>- ارتقای یادگیری، نوآوری و خلاقیت؛</li> <li>- توسعه فعالیت‌های دانش‌بنیان و جاذب طبقه خلاق و آفرینش‌گر.</li> </ul>	
	توجه به شمولیت اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ارتقای انسجام اجتماعی و ساخت‌وساز جمعی در شهر؛</li> <li>- ترویج برابری و عدم تبعیض، آزادی زبانی و مذهبی و حفاظت از شهروندان آسیب‌پذیر؛</li> <li>- ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی ساکنان به‌ویژه زنان و اقدام برای کاهش فقر.</li> </ul>	
	حاکمیت خوب شهری	<ul style="list-style-type: none"> <li>- پاسخگویی فضاهای شهری به نیازهای همه از جمله معلولان، افراد مسن و کودکان؛</li> <li>- فرصت برابر برای مشارکت همگان در تصمیم‌گیری‌های عمومی.</li> </ul>	
	بهبود دسترسی فضایی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- در نظر گرفتن شرایط برابر برای بهره‌مندی از مسکن مناسب و قابل استطاعت بدون تبعیض و تفاوت‌گذاری با تضمین مساوی بودن این فرصت‌ها و توزیع مناسب آن‌ها؛</li> <li>- برخورداری از خدمات شهری باکیفیت بالا و ارائه خدمات برای تمامی ساکنان شهر بدون تبعیض و تفاوت‌گذاری با تضمین مساوی بودن این فرصت‌ها و توزیع مناسب آن‌ها.</li> </ul>	
	خدمات	ارتقای میزان دستیابی به خدمات و تسهیلات	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ارائه خدمات و تسهیلات شهری بر مبنای مساوات و برابری جغرافیایی و نیازسنجی‌های محیطی در عرصه محلی برای همه ساکنان شهری؛</li> <li>- تهیه مطالعات به منظور تعیین اولویت‌ها و نیازهای به‌ویژه در مناطق محروم با اولویت توسعه مناطق کم‌تر توسعه‌یافته؛</li> <li>- بازنگری در پیشنهادهای راهبردهای طرح‌های توسعه شهری خصوصاً طرح جامع ارومیه در قبال نواحی که کم‌تر از خدمات عمومی شهری برخوردارند؛</li> <li>- ایجاد مشوق‌ها و حمایت‌ها برای جذب سرمایه‌گذار در ایجاد کاربری‌های خدماتی به‌ویژه در مناطق محروم.</li> </ul>

### تشکر و قدردانی

این مقاله هیچ حامی مالی و معنوی نداشته است.

### تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

### تاییدیه اخلاقی

نویسندگان متعهد می‌شوند که کلیه اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده‌اند و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهند.

### درصد مشارکت

نویسنده اول، نگارنده مقدمه / پژوهشگر اصلی (۶۰ درصد)؛ نویسنده دوم، نگارنده بحث (۳۰ درصد)؛ نویسنده سوم، تحلیلگر آماری (۱۰ درصد).

## فهرست منابع

- Alvandipour, Nina, and Hashem Dadashpoor. 2018. "Meta-research Methods Related to Urban Spatial Justice in Iran in the Period of 2005-2015." *Journal of Urban Ecology Researches* 9(18): 69-86. [https://grup.journals.pnu.ac.ir/article\\_4456.html](https://grup.journals.pnu.ac.ir/article_4456.html). [in Persian]
- Azizi, Mohammad Mehdi, and Mohammad Saleh Shokouhi Bidhendi. 2016. "Analysis of Historical Evolution of the Concept of Social Justice in Urban Development Plans in Iran (1340-1390)." *Tahqiqāt-e Tārikh-e Ejtemā'i (Social History Studies)* 5(10): 125-149. [https://socialhistory.ihcs.ac.ir/article\\_1954.html](https://socialhistory.ihcs.ac.ir/article_1954.html). [in Persian]
- Azami, Mohammad, Iradj Asadie, and Mohammad Reza Haqjoo. 2019. "Conceptualizing justice and evaluating substantive justice in urban development plans: Explication of criteria and suggesting strategies." *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies* 7(4): 215-245. <http://journals.sabz.ac.ir/scds/article-1-809-fa.html>. [in Persian]
- Ahmadi, Mohammad, and Ali Akbar Shamsipour. 2020. "Analysis of spatial distribution of public services in terms of spatial justice approach (Case study: Bojnourd)." *Geographical Urban Planning Research (GUPR)* 8(1): 73-98. [https://jurbangeo.ut.ac.ir/article\\_76116.html](https://jurbangeo.ut.ac.ir/article_76116.html). [in Persian]
- Achmani, Youness, Walter T. De Vries, José Serrano, and Mathieu Bonnefond. 2020. "Determining Indicators Related to Land Management Interventions to Measure Spatial Inequalities in an Urban (Re) Development Process." *Land* 9(11): 448. <https://www.mdpi.com/2073-445X/9/11/448>
- Allmendinger, Philip. 2005. "Towards meta-positivist typology of planning theory". Translated by Fateme Taghizadeh, Program and Budget Magazine. [in Persian]
- Butler, Chris. 2012. "Henri Lefebvre: Spatial politics, everyday life and the right to the city". Routledge. <https://books.google.com>
- Bezerra, Évilley Carine Dias, Priscila Soares dos Santos, Fernanda Cigainski Lisbinski, and Lázaro Cezar Dias. 2020. "Spatial analysis of Brazil's COVID-19 response capacity: a proposal for a Healthcare Infrastructure Index." *Ciência & Saúde Coletiva* 25: 4957-4967. <https://www.scielo.br/j/csc/a/XP3Q7jyggBkT95BswNkQYwy/?lang=en>
- Dadashpoor, Hashem, Alizadeh, Bahram, and Faramarz Roštami. 2015. "Determination of conceptual framework from spatial justice in urban planning with focus on the justice concept in islamic school." *Naqshejahan-Basic Studies and New Technologies of Architecture and Planning* 5(1): 75-84. <https://bsnt.modares.ac.ir/article-2-816-fa.html>. [in Persian]
- Dadashpoor, Hashem, and Nina Alvandipour. 2017. "Conceptual Typology of Justice in Urban Planning Theories based on an Interdisciplinary Perspective." *Interdisciplinary Studies in Humanities* 9(2): 1-27. [http://www.isih.ir/article\\_248.html](http://www.isih.ir/article_248.html). [in Persian]
- Dekec, Mostafa. 2002. "Searching for the just city: debates in urban theory and practice". Translated by Hadi Saedi Rizvani and Mehboobeh Kashmiri. Tehran: Cultural and Artistic Organization of Tehran Municipality, publishing house. [in Persian]
- Dufaux, Frederic, Philippe Gervais-Lambony, Sonia Lehman-Frisch, and Sophie Moreau. 2009. "Birth announcement." *Justice spatiale-Spatial justice* 1(1): 1-2. <https://shs.hal.science/halshs-01717965/>
- Dai, Jiali. 2016. "An Experimental Research on the Equalization of Basic Public Services in Huizhou City." *Open Journal of Social Sciences* 4(4): 167-173. doi: [10.4236/jss.2016.44024](https://doi.org/10.4236/jss.2016.44024).
- Fischer, Frank. 2009. "Discursive planning: Social justice as discourse." In *Searching for the Just City*, 72-91. Routledge. <https://books.google.com>
- Fainstein, Susan S. 2014. "The just city." *International journal of urban Sciences* 18(1): 1-18. <https://www.tandfonline.com/doi>
- Fainstein, Susan S. 2010. "The Just City." New York: Cornell University Press. <https://books.google.com>
- Habermas, Jürgen. 1987. *The theory of communicative action (Vol. 2)*. Beacon press. <https://books.google.com>
- Heckert, Megan, and Christina D. Rosan. 2016. "Developing a green infrastructure equity index to promote equity planning." *Urban Forestry & Urban Greening* 19: 263-270. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S1618866715001892>
- Imanimoghadam, Mahdi, and Hamid Parsania. 2021. "A Review And Critique Of The Foundations Of Popper's Theory Of Open Society With Respect To The Foundations Of A Moderate Divine Society." *Iranian Journal of The Knowledge Studies in The Islamic University* 25(2): 597-624. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1803607>. [in Persian]
- Kazemi, A. 2014. "Theorizing and Theory of justice in Shariati thought." *Scientific Research Journal on Islamic Revolution* 4(13): 99-118. [https://rjir.basu.ac.ir/article\\_1077.html](https://rjir.basu.ac.ir/article_1077.html). [in Persian]
- Lefebvre, Henri. 2017. "The survival of capitalism; Reproduction of the production relations of production". Translated by Aydin Turkmech. second edition. Tehran: Tisa.
- Mirgholami, Morteza, Mohammad Ali Keynejad, and Bahram Alizadeh. 2018. "The Evaluation of Spatial Justice

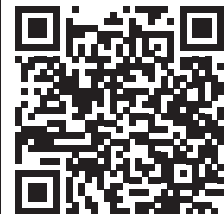
- in Redevelopment of Urban Spaces; Case study: Atigh Local Plan in the City of Tabriz." *The Monthly Scientific Journal of Bagh-E Nazar* 15(67): 43-52. [https://www.bagh-sj.com/article\\_80613.html](https://www.bagh-sj.com/article_80613.html). [in Persian]
- Mayaud, Jerome R., Martino Tran, and Rohan Nuttall. 2019. "An urban data framework for assessing equity in cities: Comparing accessibility to healthcare facilities in Cascadia." *Computers, Environment and Urban Systems* 78: 101401. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0198971519303813>
  - Manuel, Jennifer. 2016. "Social and Spatial Justice: Grassroots Community Action". USA, CA: San Jose.
  - Noorian, Farshad, and Hadi Saeedi Rezvani. 2002. "Typology of Fundamental Thoughts Related to Justice in the City Context." *City Development Research Journal* 21. <https://www.magiran.com/paper/1143411>. [in Persian]
  - Rahimi, Leila, and Mohammad Naghizadeh. 2016. "Manifestation of social justice in the structure of Islamic city (neighborhood)." *Hoviatshahr* 10(2): 13-20. [https://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article\\_9428.html](https://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_9428.html). [in Persian]
  - Rawls, John. 1971. *A Theory of Justice*. 1st ed.. Cambridge: Harvard University Press.
  - Saeedi-Rezvani, Hadi, and Farshad Noorian. 2014. "Just City planning and its position within social justice." *Motaleate Shahr* 3(12): 47-58. [https://urbstudies.uok.ac.ir/article\\_10947.html?lang=fa](https://urbstudies.uok.ac.ir/article_10947.html?lang=fa). [in Persian]
  - Sharifzadegan, Mohammadhossein, and Amir Shafiee. 2015. "Communicative planning as new approach for community planning (Case study: Tehran, Farahzad community)." *Social Welfare Quarterly* 15(56): 281-313. [https://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a\\_id=2081&sid=1&slc\\_lang=fa](https://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=2081&sid=1&slc_lang=fa). [in Persian]
  - Soja, Edward. 2009. "The city and spatial justice." *Justice spatiale/Spatial justice* 1(1): 1-5. <https://www.jssj.org/wp-content/uploads/2012/12/JSSJ1-1en2.pdf>
  - Torabzadeh Jahromi, Mohammad Sadiq, and Alireza Sajadieh. 2011. "Understanding Different Types of Justice Theories Based on the Philosophical Dimensions: an Approach to Determine the Theoretical Nature Of the Justice Concept." *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal* 3(2): 59-95. [https://ies.isu.ac.ir/article\\_1090.html](https://ies.isu.ac.ir/article_1090.html). [in Persian]
  - Uitermark, Justus, and Walter Nicholls. 2017. "Planning for social justice: Strategies, dilemmas, tradeoffs." *Planning Theory* 16(1): 32-50. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1473095215599027>
  - Yazdani, Ahmad Reza. 2019. "Social justice and government from the perspective of Allameh Tabatabai's political philosophy." *Journal of Fundamental Researches on Humanities* 5(2): 7-34. <https://frh.sccsr.ac.ir/article-1-120-fa.html>. [in Persian]
  - Young, Iris Marion. 2011. "Justice and the Politics of Difference". Princeton University Press. <https://books.google.com>
  - Zapata, Marisa A., and Lisa K. Bates. 2015. "Equity planning revisited." *Journal of Planning Education and Research* 35(3): 245-248. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0739456x15589967>

## نحوه ارجاع به این مقاله

صفری، کرم، اکبر عبداللهزاده طرف، و مجتبی جعفری. ۱۴۰۲. ارزیابی عدالت فضایی در اسناد توسعه شهری و آثار توزیعی آن، مورد مطالعاتی: شهر ارومیه. نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر ۱۶(۴۴): ۱۴۳-۱۶۲.

DOI: 10.22034/AAUD.2023.337238.2649

URL: [https://www.armanshahrjournal.com/article\\_184013.html](https://www.armanshahrjournal.com/article_184013.html)



## COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

